

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوان عالی کشور، نخست وزیر، دادستان کل کشور، دادستان کل انقلاب

بد نیال بازداشت غیر قانونی جمعی از رهبران و اعضای حزب توده ایران، از یک مرکز واحد سازمان یافته در تهران و شهرستانها و در سطح وسیع اعلامیهها، تراکتها و پوسترهایی با مضمون ضد انقلابی و نفاق افکنانه و سر تا پا توهین به امام و جمهوری اسلامی ایران منتشر میشود که در زیر آنها اعضای ساختگی "کمیته مرکزی حزب توده ایران" یا "حزب توده ایران" گذاشته شده است.

از یک مرکز واحد و بطور کاملاً سازمان یافته، این شایعه بی پایه در میان مردم پخش میشود که گویا حزب توده ایران مشی اصولی و انقلابی خود را تغییر داده و راه مقابله خرابکارانه با جمهوری اسلامی و رهبران آن را در پیش گرفته است.

دست هایی در کارند که از یکسو تعداد کارگران را ناراضی و خشمگین می کنند و از سوی دیگر شایعه می سازند که گویا حزب توده ایران مشغول تدارک اغتشاش در کارخانههاست.

بقیه در صفحه ۲



جمعه ۲۷ اسفند ۱۳۶۱ مطابق ۲ جمادی الاخر ۱۴۰۳ و ۱۸ و ۱۹ اسفند ۱۳۶۱ سال اول، شماره ۳۳۳ پیوسته ۶۰۰ سال

برای پیروزی انقلاب، سال نو باید به سالی برای تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تبدیل شود!

ند آرند، اما خون خویش را بیدریغ بپای نوبنیاد انقلاب می ریزند.

سال نو، سال تدارک پیروزی قطعی و نهایی است. خلق امیدوار و لبخند بلب، آماده نبرد. آخرین است. آماده رزم برای پیروزی قطعی و نهایی است. باید از این نیروی سترگ که در خدمت انقلاب است، بهره جست و پیروزی قطعی و نهایی را نزدیک و نزدیکتر کرد.

در سال نو باید دین خود را به شهیدان بقیه در صفحه ۲

سال نو می آید، با امیدهای خجسته، با آرزوهای بزرگ.

خلق به پیشواز رزم نو، که در سال ۱۲ بیگمان در راه خواهد بود، می رود. محرومان بر سفره های تحویل سال تمیثاق ادامه نبرد می بندند. مردمان سرود مقاومت و پیروزی می خوانند و نیز بزرگ را آماده میشوند.

انقلاب اکنون در گراهیست که مدیون صبا - حیان اصلی خود - محرومان - است.

انقلاب مدیون آنانست که نان در سفره

مسلمانان مبارز برای تحقق عدالت اجتماعی می رزمند!

یک عده هستند، میخواهند کلاه سران بگذارند!

در دو هفته اخیر مسلمانان مبارز از خود در مقابل یورش همه جانبه راستگرایان دوازه واکنش های مثبتی نشان می دهند.

واکنش د ولت مردان مردمی و پیرو خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی در حاکمیت، بیان کننده ادانبرد و خط در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی می طلبد، که برای عدالت اجتماعی فکری شود.

آیت الله موسوی اردبیلی، که خواهان پایان دادن به جنگ تحمیلی و فرسایشی است، به درستی هشدار می دهد، که باید برای انجام وظیفه - ای که مسئولان و د ولت مردان خط امامی در مقابل خلق و تاریخ بعهده گرفته اند، قوانین انقلابی و در خدمت منافع زحمتکشان را تصویب کرد و به اجرا در آورد.

آقای موسوی خامنه ای تصویب قوانین بنیادی ارضی تجارت خارجی دولتی و غیره را وسیله عملکرد دولت برای به جامعه عمل پوشاندن خواست توده های زحمتکش می داند و او هم تصویب این قوانین را از قوه مقننه می طلبد.

روزنامه کیهان در سلسله مقالاتی از تروریسم اقتصادی صحبت می کند و به این نکته اشاره می کند، که تروریسم "به لباس دیگری در آمده است (من خواهد) پا به پای امپریالیسم". در یک وضعیت فرسایشی و طولانی برای جنگ، ما را در داخل بیوساند و بیراند، "و اضافه بقیه در صفحه ۶

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

صفحه ۵

درد آتشین به زندانیان توده ای

نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور به مناسبت سال نو به رفیق نورالدین کیانوری و بیاران در بند و رفقای دربند!

شما سال نورا در شرایط بخرنج و تلخی آغاز می کنید. شما به عنوان مدافعین انقلاب در زندانی نشسته اید، که جمهوری اسلامی ایران رازندانیان آن کرد ماند. تاریخچه زندگی آنها این است شما که صخره های ۲۵ ساله اند، نشان میدهند که به وظیفه تاریخی که بعهده دارید واقفید.

که زندان هم صحنه نبرد دفاع از دستاوردهای انقلاب است.

در این چهار سال پس از پیروزی انقلاب از هم زندانی گرفته تا پاسدار و بازرس بارها و بارها با پایداری توده ایها بر سر موازین خود آشنا شده اند. به چشم خود دید ما بد و بقیه در صفحه ۳

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۱

و همه این اقدامات پلید تنها پیش درآمد
رزمندگانی است در جهت تدارک يك توطئه بزرگ
علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران .
حبرهای رسیده حاشی است که سازمان
دهندگان این توطئه که بدون شک از سستی
سیا و دیگر سازمانهای جاسوسی امریالیستی و
صهیونیستی هدایت میشوند - قصد دارند پهنای
انتشار اینگونه تالیفات دست به خرابکاری
و آتش سوزی بزنند و جنایات خود را به حساب
حزب توده ایران بگذارند . گفته میشود که گویا
" مقداری مواد منفجره وارد تهران شده " و
" چند مسجد را تخلیه کرده و برای آتش زدن
آماده کرده اند " !!

آقایان مسئولین جمهوری اسلامی ایران
بنظر میرسد که توطئه ننگین و فاشیستی

آتش سوزی رابستانک در کشور ما نیز در شرف
تکرار است . چنانکه میدانید در گذشته یکبار به
بهانه واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و تیراندازی به
شاه توطئه حساب شده ای علیه حزب -
صورت گرفت و حزب ما در رابطه با آن " غیر
قانونی " اعلام گردید . پس از آن نیز در تمام
توطئه های کودتائی علیه حکومت ملی دکتر
صدق و هم چنین در تمام طرحهای کودتائی
ضد جمهوری اسلامی ایران حزب توده - ایستاد
یکی از آماج های اصلی این گونه توطئهگری هها
بوده و هست . در این طرحها کودتاگران و
توطئه چینان میکوشند دست به يك خرابکاری
بزرگ بزنند و آنرا به حساب حزب توده - ایران
گذاشته و در زیر پوشش آن جنایت عظیمی را
سازمان دهند .

قطب زاده معدوم صریحا اعتراف کرد که

طرح کودتائی او بر پایه بماران جمناران و
انداختن آن به گردن حزب توده - ایران و سپس
هجوم خونین به همه نیروهای انقلابی تنظیم
شده بود .

مرحوم آیت الله طالقانی نیز در یکی از
اظهارات خود فاش کرده بودند که در دوران
حکومت صدق نامه های در منزل یکی از روحا -
نیون طرفدار دربار با امضا " حزب توده - ایران
خطاب به روحانیون تهیه میشد که متضمن تهدید
بدهای شدید بود و حتی یکی از نویسندگان
این نامه های مجعول گفته بود از بسکه نوشتم دستم
درد گرفت . این نوع شیوه ها سابقه تاریخی
طولانی دارد و نه تنها در کشور ما .

آقایان مسئولین جمهوری اسلامی ایران

توطئه ای که تدارک میشود بیش از آن وسیع
و علنی است که شما از آن بی خبر مانده باشید .
ما بدین وسیله شما را به احساس مسئولیت
دعوت میکنیم و با صراحت تمام هرگونه مشارکت
حزب توده - ایران را در اینگونه تحریکات
و اقدامات قویا نکذیب کرده و پراشت حزب
را از اینگونه اعمال پلید و توطئه آمیز اعلام مید -
اریم .

ما از شما میخواهیم که با احساس مسئولیت
توطئه گران را تحت پیگرد قانونی قرار دهید
و نگذارید که عوامل ضد انقلابی وابسته به " سیا "
و " موساد " انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
را با خطرات جدی مواجه سازند .
ما بشار دشمنان اعلام میکنیم که
حزب توده - ایران ، حزب آبدیننده
انقلابی ، با تمام وجود خود به انقلاب
امریالیستی و سردمی ایران وابسته
است و هم چنان در راه اتحاد نیروهای
اصل انقلابی ایران و حمایت از جمهوری
اسلامی در برابر تحریکات امریالیسم میزمد
و بنا به مشی اصولی خود هرگونه اقدام و شیوه
توطئه گرانه را نفی کرده و فقط به شیوه های
درست و سردمی مبارزه متکی است .

نمیه مرکزی حزب توده - ایران
۱۴ اسفند ۱۳۶۱

توجه

استاد حزب توده - ایران
فقط پس از انتشار در
" راه توده " ، برای خارج از
کشور سفیدیت دارند .

برای پیروزی انقلاب ، سال نو باید به سالی برای تحقق استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی تبدیل شود!

بقیه از صفحه ۱

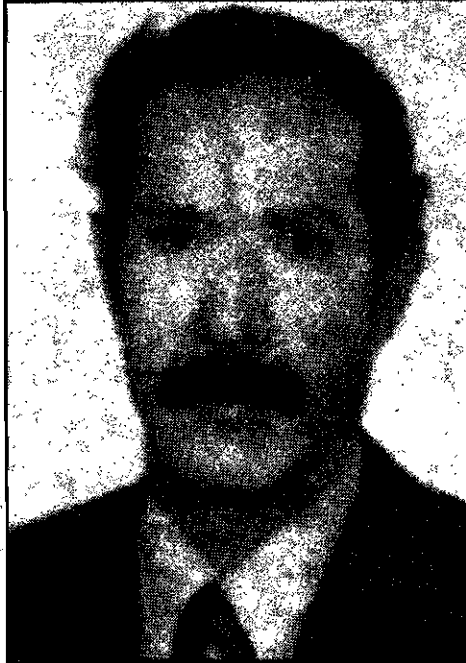
و رزمندگان جبهه جنگ عادلانه در راه دفاع از
استقلال و آزادی ایران انقلابی پرداخت .
شیطان بزرگ - آمریکا - ضد انقلاب پرورد -
اش پیروز نخواهد شد ، مگر آنکه خلق را مایوس و
صحنه را از محرومان خالی کنند . پس باید به
نیازهای خلق پاسخ داد .
باید کارگران و دهقانان - این ستون
فقرات انقلاب - را حفظ کرد .
باید قانون کار انقلابی طرح و تصویب برسد .
باید تشکل صنفی کارگران را برسمیت شناخت .
باید کار را از اسارت سرمایه و حامیان سرمایه
داری نجات داد .
باید به دهقانان زمین و آب و بذر و ... داد .
باید قانون اصلاحات ارضی را بنفع دهقانان
بی زمین و کم زمین تصویب رساند .
باید مشکل مسکن را حل کرد . و در اندیشه
سرمهه برای میلیونها زحمتکشین بود .
گرانی بیداد میکند . مبارزه با آن ، جز بنا
ریشه کن ساختن " تروریستهای اقتصادی " ممکن
نیست . مجلس باید لایحه دوتی کردن بازرگانی
گانی خارجی را تصویب برساند .
سال نو ، باید طلیعه استقرار آزادی کامل
فعالیت سیاسی در مینمان باشد . همه
نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
باید آزادی کامل فعالیت سیاسی بیابند و

بخصوص جلوی تضییقاتی که بر حزب توده -
ایران و یازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
می رود ، گرفته و رفقای ما که به جرم واهی
" جاسوسی " درینند ، آزاد شوند ، روزنامه های
انقلابی توقیف شده باید دوباره انتشار یابند .
باید دفتر احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع
انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باز شوند .
چنین است دستور روز انقلاب .
چنین است وای که انقلاب باید به صاحبان
خود باز دهد .
در این سفر انقلابی ، ایران قهرمان تنها
نیست . در سراسر جهان دوستان انقلاب ما
آغوش گشوده اند . این دستهای دوستی را
باید دوستانه فشرد .

و اینهمه ، امید محرومان چنین طلب میکند .
چنین اگر شود ، پیروزی قطعی نزدیک است . هر -
چند دست یافتن به آن آسان نیست ، کار
و پیکار می طلبد .
هیئت تحریریه " راه توده " سال نو را به
تمام کارگران و زحمتکشان و خوانندگان گرامی
" راه توده " تبریک گفته ، امیدوار است ، که
سال نو به سالی برای تحقق اهداف انقلابی ،
به سالی برای شکوفایی انقلاب در آنچه که مردم
در انتظار آند ، به طلیعه استقرار آزادی و
تأمین عدالت اجتماعی بدل گردد .

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق محمد علی عموی: مظهر مقاومت خلق با ۲۵ سال زندان



تجربگان شنا بزد و در میدان نبرد سخت عقده‌ی در شرایطی تا مساعد بروز کرد .
رفیق عموی در زندان به مظهر روش اصولی توده‌ای و سیاست درست توده‌ای بدل شد . او توانست نام حزب خود را بلند آوازه نگه دارد و احترام و علاقه بسیاری از زندانیان سیاسی را ، اعم از روحانی و مجاهد و چریک و آزاد بخواند ، نسبت به خود ، به حزب و آرمانهای که چنین انسانهای والا و آزادهای را پروراندند است ، جلب کند . این تجربه‌ای سخت و طولانی بود . ۲۵ سال تمام در سیاه چالهای شاه خائن و ساواک جنایتکار از سال ۳۳ که بد نیال کشف شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران ، رفیق عموی دستگیر میشود ، از زندانهای قصر و " کمیته " و شیراز و برازجان ، با شرایط غیر انسانی آن میگذرد تا آبان ۵۷ که بد نیال موج انقلابی جنبش شکوهمند خلق و در آستانه پیروزی انقلاب ، درهای زندانها بر روی زندانیان سیاسی گشوده میشود . و رفیق عموی نیز آزادی خویش را همراه با ملت تشنه استقلال و آزادی باز میابد .
پس از انقلاب رفیق عموی با فعالیت جوشان و پر ثمر تشکیلاتی و تبلیغاتی خود ، به عنوان یکی از چهره‌های برجسته مدافع انقلاب شناخته شد . وی در صف رهبری حزب توده ایران پیگیرانه و مصمم در مبارزه حزب بخاطر حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش و تعمیق آن ، در افشای چهره دشمنان دوست نهای انقلاب ، در افشای بازگانه‌ها ، قطب زاده‌ها ، امیر انتظام ها ، بنی صدرها و ... شرکت جست و درست بخاطر همین پیگیری مورد

رفیق محمد علی عموی ، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران ، در بین رهبران حزبی است که به اتهام راهی " جاسوسی " بازداشت شده اند .
رفیق عموی را همه کسانی که در ۲۵ سال اخیر بر اثر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی سلطنتی زندان افتاد هاند و سازمانهای آنان بخوبی میشناسند و با او ، پیمانه مظهری از مقاومت خلق مبارز در برابر انواع فشارها و شکنجه‌ها و سالهای دراز زندان ، ارج مینهند .
رفیق عموی در سال ۱۳۰۳ در کرمانشاه متولد شد و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر و تحصیلات متوسطه را در تهران بپایان رسانید . او در سال ۱۳۲۶ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۲۸ از آن فارغ التحصیل گردید . اما فعالیت سیاسی رفیق عموی از سال ۱۳۲۴ ، از همان شهر کرمانشاه شروع شده بود و او ، هنگامیکه افسر شد ، صاحب سابقه و تجربه سیاسی جدی بود . در صفوف حزب توده ایران (سازمان نظامی) رفیق عموی تربیت سیاسی و اجتماعی خود را کاملتر کرد و شخصیت خود را بعنوان مدافع صدیق و مبارز زحمتکشان و استقلال و آزادی مبین پرورش داد .
دوستان رفیق عموی میدانند که در و رای ظاهر جدی ، چه روح پر احساس و عاطفی نهفته است که با عشق به محرومان و آرزوی سعادت آنان میطوید . بقول یکی از همزمان نزدیکش ، عالیترین خصوصیات اخلاقی رفیق عموی بویژه در زندان ، دراز زیر شکنجه‌های منتهب جسمی و روانی ، در برابر ایداه مداوم جلادان در مقابل حملات ناجوانمردانه نیمه راهان وازده و بنی -

کین و نفرت بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و نمایندگان سیاسی لیبرال و حجتیهای آنها قرار گرفت . " جرم " او نیز چون " جرم " سایر رفقای دستگیر شده اش نه " جاسوسی " و " جعل اسناد " ، بلکه دفاع آتشین از منافع توده‌های زحمتکش مردم میهن ما است .
رفیق عموی با پشتوانه تجربه بزرگ سیاسی و آگاهی اجتماعی اش ، با آشتی ناپذیری اش در نبرد علیه امپریالیسم و استبداد ، با وفاداری اش براه خلق ، مورد اعتماد و احترام خلق و طبقه کارگر است .

درود آتشین به زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱

زندانی و قاضی ، می‌بینند و می‌شنوند و پس با تجربه خود در می‌یابند ، که حزب ما ، که توده‌ای در بند نیز " از هر گام مثبت جمهوری اسلامی ایران حمایت " می‌کند و " هر اقدام نادرست و ناقص را دلسوزانه و با صراحت مورد انتقاد قرار " می‌دهد . (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران) آنها در می‌یابند که حتی در زندان هم توده‌ای با توطئه‌های امپریالیسم علیه جمهوری نویسنده مبارزه می‌کند و برای تثبیت انقلاب از تحمل ناحق در مورد خود نیز ایثابت ندارد .
آری ، رفقای عزیز در بند ، چنین اند و وظائف بزرگ مردان و زنانی که عزم کرده‌اند راه سعادت خلق را هموار سازند .
ما با شادباش سال نوبه شما و خلق ایثارگر انقلابی با جان و قلبمان ، با خون و گوشت و رگ و بی مان در کنار شما قرار داریم و به وظائفی که شما به عهده ما سپرده‌اید ، عمل می‌کنیم .
درود آتشین به زندانیان توده‌ای !
زنده باد حزب توده ایران ، مدافع راستین استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی !

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما در باره بازداشت‌های غیر قانونی جدید در این زمینه می‌خوانیم :
" در تمام دوران چهار ساله پس از پیروزی انقلاب ، سیاست حزب توده ایران درست نقطه مقابل سیاست محافل ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم و نمایندگان قشری ، لیبرال ، مالکان و سرمایه‌داران بزرگ بوده است . ما بر خلاف آنها هرگز راه نفاق ترفیسم ، معتقدات خود را از کسی پنهان نکردیم و بر اساس مواضع روشن سیاسی ساید بولوزیک ، خسود ، از خصلت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب دفاع کرده‌ایم و تا پایان دفاع خواهیم کرد ."
رفقای دستگیر شده !
هم اکنون در زندان ، پاسدار و بازرس ،

تجربه خود دریافتند که توده‌ایها دفاع از انقلاب ، مدافع از دستاوردهای انقلاب ، پشتیبانی از مواضع مسلمانان مبارز ضد امپریالیست و جانبدار خلق را نه به خاطر " فرصت طلبی " ، که دشمنان القاء می‌کنند ، وظیفه خود قرار داده‌اند ، بلکه با تحلیل روشن و علمی خود از اوضاع انقلاب و ترکیب نیروهای شرکت‌کننده در آن سه این وظیفه تاریخی رسیده‌اند .
توده‌ایها در این تحلیل خود لحظه ای هم منافع خود را جدا از منافع خلق ندانسته و نمی‌دانند . سهمت گروه طلبی ، وصله ناجوری به تن برانزیده توده‌ایها است ، که شعار " جنبه متحد خلق " را آفرینند و ضد قایم از آن دفاع می‌کنند .

آیت الله موسوی اردبیلی : بالهام از حضرت امام جنگ را تمام کنیم

دیگر همه متفق القولند که جنگ تحمیلی و امپریالیسم فرموده صدام علیه میهن ما به یک جنگ طولانی و فرسایشی تبدیل شده است، که بزرگترین صدمات جانی و مالی را به میهن و خلقهای ما وارد ساخته است.

خسارت دیدگان از این جنگ مردم زحمتکش و ایثارگر میهن ما و زحمتکشان خلق برادر عراقند، نه صدام آنها را به گوشت دم توپ، برای تحقق اهداف جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا تبدیل کرده است.

نتایج اسفبار و در صورت ادامه جنگ فاجعه آمیز برای میهن ما و انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی آن به چنان عمق و وسعتی رسیده است که از تمام انقلابیون مذهبی جسارت و حرکت بیشتر و قاضح برای پایان جنگ میلید.

این جنگ، این "حلقه نجاتی" که توسط امپریالیسم افکنده شد، فقط و فقط به نفع نیروهای ضد انقلابی و راستگرا تمام شده است. فقط آن نیروهای منی توانستند - و این سوء استفاده با تمام وسعت و خطر آن شدید شده است - از ادامه جنگ سود ببرند که کوچکترین سودی از پیروزی "انقلاب کوخ نشینان" علیه کاخ نشینان "نمیبرند و نمیتوانستند ببرند". از این جنگ، از این "حلقه نجات" که امپریالیسم افکنده، فقط نیروهای واپسگرا و ضد انقلابی، لیبیرال و کلان سرمایه دار و بزرگ زمین دار سود بردند و میبرند.

این حلقه نجات "گذشته" بود، که امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به گردن "آینده" میهن ما، به گردن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما انداخت. تا این آینده را، که میبایستی به خلق تعلق داشته باشد و در آن خواستهای خلق یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، تحقق یابد، نابود سازد.

دو سال از تاریخی میگذرد، که شهید بهشتی، با دلی پردرد و در جلوی چشمان حیرت زده زحمت کشان ده و همه انقلابیون صادق خبر به تعلق افتادن اجرای بند "ج" و "دال" را تا بعد از جنگ تحمیلی، اعلام کرد.

این اولین پیروزی بزرگ زمین داران، ایمن مدافعان "گذشته" بود که امپریالیسم آمریکا به دست متجاوزین عراقی بسوی آنها پرتاب کرد.

در حالیکه برای مسلمانان مبارز روشن بود که قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، بسا موازین شرعی انطباق دارد و منطبق بودن آن بسا شرع اسلام انقلابی، ققهای برجسته مانند آیت الله منتظری، آیت الله مشکینی و شهید بهشتی تصدیق کرده بودند و امام خمینی رهبر انقلاب نیز آنرا تایید کرده بودند، آنها مجبور شد تدقانون تصویب شده و بمورد اجرا گذاشته شده را دوباره برای تجدید نظر و در واقع برای "ذبح شرعی" (آیت الله مشکینی) به صلح بفرستند.

این دو مین پیروزی بزرگ زمین داران، این مدافعان "گذشته" به کمک حلقه نجاتی بود، که امپریالیسم آمریکا به دست متجاوزین عراقی بسوی آنها افکنده بود.

این روند اسفبار برای انقلاب و انقلابیون تمام نشد و نمیتوانست تمام شود، زیرا هر روز که از عمر این جنگ تحمیلی میگذشت، از توان انقلاب بیشتر میکاست. هم از خلق ایثارگر "لانههای" خونین بیشتری میستاند و هم زیر فشار خود، آن نیروهای انقلابی را که در "شهرها و واطایف انقلابی" دارند (حجت الاسلام رفسنجانی) در جیبها ها بند می کرد و جاییشان را در شهرها خالی میگذاشت.

این روند از برای انقلاب کاست و کاست و بسه نیروهای واپسگرا تجدید قوا و سازمان داد، بسه نحوی که پس از گذشتن قانون اصلاحات ارضی از مجلس و تصویب بقایای "ذبح شرعی" شده آن در مجلس، مدافعان "گذشته" قادر شدند از تن دادن به آن طفره روند.

در وضع جدید تناسب قوا مابین موافقان "انقلاب کوخ نشینان" علیه کاخ نشینان، آنهائی که بسه حرف امام خمینی ایمان دارند، که بینه دست زحمتکشان، سند مالکیت زمین است، از یک سو و مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ زمینداری از سوی دیگر، آنچنان به نفع دسته اخیر تغییر کرده بود، که آنها حاضر نبودند حتی به این قانسون ذبح شده هم تن دهند.

شورای نگهبان آن را "تسو" کرد! این سومین پیروزی بزرگ زمین داران، این مدافعان "گذشته" به کمک حلقه نجاتی بود، که امپریالیسم آمریکا بسوی آنها پرتاب کرد ولی آخرین پیروزی نبود.

آنها توانستند درست با سوء استفاده از این جنگ تحمیلی طولانی و فرسایشی امپریالیسم فرموده در جریان تثبیت و تحکیم مواضع خود، حق تعیین ضرورتها را، که امام خمینی به مجلس شورای اسلاما منول کرده بود، مورد علامت سوال قرار دهند و مواضع جدیدی را تصاحب کنند.

تمام این عقب نشینی های مسلمانان مبارز در طول این دو سال و نیم پس از جنگ تحمیلی، با ایمن استدلال انجام شد، که زیر فشار جنگ، انقلاب قادر به دفاع از خود در مقابل هجوم راستگرایان و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نیست، قادر نیست به تحولات بنیادی بنفع زحمتکشان دست زند قادر نیست برای تحقق عدالت اجتماعی، برای تحقق "قسط اسلامی" با قدمهایی استوار و قاطع به پیش رود.

نوع "ذبح شرعی" قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، و نه فقط این یک نمونه، بلکه تمامی اقدامات عمده به نفع زحمتکشان و مستضعفان، بیان کننده چگونگی عقب نشینی مسلمانان مبارز و موفیق راستگرایان است، که با کمک این حلقه نجات میگرد خواست های خود را به انقلاب تحمیل کنند!

لغو قوانین "تجارت خارجی دولتی" و زمینهای موات شهری، مصادره ثروتهای غارت شده توسط فراریان طاغوتی و غیره و غیره توسط شورای نگهبان همه و همسسه به کمک این حلقه نجات امپریالیسم ساخته و پرداخته برای راستگرایان، ممکن شد.

البته میتوان این لیست تاسف بار را توسعه داد، هدف اما در این ترسیم تاثیر فاجعه آمیز جنگ تحمیلی بر روی روند تعمیق انقلاب، خواست عمیق زحمتکشان و انقلابیون برای تدفق عدالت اجتماعی است.

تعجب انگیز نبود و نیست، که راستگرایان از هیچ کوششی برای ادامه جنگ کوتاهی نکردند و نمیکنند. آنها با طرح شعارها و هدفهای غیر عملی، راه تصحیح سیاست را بر روی مسلمانان مبارز بسته اند، دمانظور که رفیق نورالدین کیانوری اظهار کرده، "مسئله جنگ را به بن بست کشید هاند."

از این دیدگاه است که سخنان آیت الله موسوی اردبیلی وزن تاریخی و پراهییتی کسب میکند و آزر خطری است که به صدا درآمده است. از ایمن دیدگاه است که باید ترمزهای خطر انقلاب را کشید. نزدیدی نباید داشت، مسلمانان مبارز، که انقلاب خلق را در دوران هجوم به رژیم فاسد سلطنتی و تخریب آن رهبری کردند، قادر نخواهند شد سو سازی جامعه را بنفع خلق، تحقق عدالت اجتماعی را بنفع زحمتکشان و مستضعفان ممکن سازند، مگر آنکه از جمله و در وحله اول به جنگ پایان دهند!

پایان جنگ اولین و مهمترین سدی است، که می توان و باید در مقابل یورش راستگرایان به مواضع انقلاب و انقلابیون راستین برپا داشت. پایان آگاهانه و شجاعانه جنگ، آنطور که آیت الله موسوی اردبیلی نیز طلب میکند "صلح تحمیلی" نخواهد شد بسود!! برعکس پایان آگاهانه و شجاعانه، بسا نقشه و واقع بینانه جنگ بر مبنای حقوق مسلم مردم میهن ما، یعنی بازستاندن آخرین تکه های سرزمین انقلابی، دریافت خسارت مالی، تنها راه جلوی گیری از تحمیل یک "صلح تحمیلی" است. تنها

از این طریق دستها برای کمک همه جانبه به مردم عراق باز میشود. هدف دشمن امپریالیستی و ضد انقلاب، نیروهای راستگرا و واپس نگر، مدافع "گذشته" و مدافع منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران درست تحمیل یک "صلح تحمیلی" است، آنها زمانی که آنها وقت آنرا مناسب تصور کنند.

به همین علت نیز از یکطرف دشمن متجاوز را تقویت میکنند و از طرف دیگر با طرح شعارهای ماورای ممکن و حماسهای، از جمله به اهتزاز در آوردن پرچم ظفر نمون اسلام بر بالای کاخ سفید از طسریق جنگ ایران و عراق، کوشش مسلمانان مبارز را برای پایان دادن به جنگ خنثی می سازند.

لزوم حیاتی و مبرم پایان دادن به جنگ، که از پا فشاری دوستان خارجی میهن ما و انقلاب ما هم مفهوم میشود، آنقدر پراهمیت است، که دست مستو- بقیه در صفحه ۱۵

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

● د بیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال در نامه‌های خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران چنین مینویسد:

رفقای گرامی با اطلاع یافتن از دستگیری رفیق کیانوری، د بیر اول کمیته مرکزی و دیگر رهبران برجسته حزب توده ایران، ما اعتراض مصمانه خود را نسبت به این عمل که علیه منافع خلق ایران و انقلاب اوست اعلام میداریم. در این لحظه دشوار در زندگی حزب توده ایران ما همبستگی خود را با مبارزه کمونیستها، زحمتکشان و مردم ایران در دفاع از دستاوردهای ضد امپریالیستی انقلاب ایران بیان میکنیم.

با درودهای برادرانه

سرژیسو بیلاریگیش

رفقای حزب کمونیست پرتغال تلگرامی هم در این زمینه برای امام خمینی فرستاده اند که بدین شرح است:

با اطلاع یافتن از دستگیری نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران و همچنین تعدادی از شخصیتهای برجسته مترقی ایرانی، حزب کمونیست پرتغال که همیشه موضع مثبتی نسبت به انقلاب ایران داشته است، خواهان مداخله شما بنظر آزادی هرچه سریعتر این میهن پرستان میباشد.

بنا به سفارش د بیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

سرژیسو بیلاریگیش
لیسبن ۲۲ فوریه ۱۹۸۲

● حزب کمونیست اسپانیا در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۲ تلگرام زیر را به سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید فرستاد:

با نهایت تأسف مطلع شدیم که نورالدین کیانوری، د بیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و چند تن از رهبران این حزب دستگیر شده اند. بنام حقوق انسانی و ضمانت یک حکومت قانون، خنواهان آزادی و امنیت اعضا و قانونی بودن این حزب هستیم.

● حزب کمونیست بلژیک نیز علیه بازداشت چند تن از رهبران حزب توده ایران و از جمله نورالدین کیانوری د بیر اول کمیته مرکزی آن اعتراض کرده است. در اعتراضیه گفته میشود که اینگونه بازداشتها نمیتواند موجب نگرانی شدید آنگسانی نشود که از مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری شاه حمایت میکردند و پیروزی آنها علیه رژیم مورد حمایت آمریکا تهنیت گفتند.

بروکسل ۱۵ فوریه ۱۹۸۲، د بیرخانه
حزب کمونیست بلژیک

● د بیر اول حزب سوسیالیست پیشاهنگ الجزایر نامه‌های در اعتراض به بازداشت غیرقانونی رهبران حزب توده ایران و رفیق نسورالدین کیانوری برای حجت الاسلام خاتمهای رئیس جمهور ارسال داشته است.

در این نامه د و صفحه‌های پس از برشردن تمام دلایلی که نشان میدهد این بازداشتها علیه منافع مردم و انقلاب ایران است گفته میشود: باین دلایل، کمونیستهای الجزایر، د وستار انقلاب شما، میخواهند که برای آزاد شدن رهبران حزب توده ایران که بطور غیرقانونی بازداشت گردیده اند اقدامات لازم را انجام دهید.

رفقای حزب سوسیالیست پیشاهنگ الجزایر نامه‌های هم خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران برای ابراز همبستگی با حزب و مردم ایران در این روزهای سخت فرستاده اند.

● کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی در نامه‌های خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران مینویسد:

کمونیستهایی اندونزی با احساس نگرانی و اعتراض با خبر مربوط به بازداشت رهبران حزب توده ایران و از جمله رفیق نورالدین کیانوری د بیر اول کمیته مرکزی حزب برخورد کردند.

حزب توده ایران از نخستین روز فعالیت خود پیوسته با پیگیری از منافع خلق زحمتکش ایران و کشور خود دفاع میکرد است. پس از پیروزی خلق علیه شاه، حزب توده ایران از جمهوری اسلامی ایران بر رهبری آیت الله خمینی پشتیبانی کرد و همراه با دیگر نیروهای مترقی از دستاوردهای انقلاب دفاع نمود. باین جهت ما بازداشت و تضییق علیه حزب توده ایران را بعنوان عملی بزیان انقلاب ایران، بزیان مشی ضد امپریالیستی آن و علیه منافع توده‌های خلق تلقی میکنیم.

ما همبستگی عمیق خود را با حزب قهرمان شما اعلام میداریم و خواهانیم که هرچه زودتر رهبران و اعضای حزب توده ایران آزاد گردند و به تبلیغات ضد کمونیستی در کشور پایان داده شود.

زنده یاد حزب توده ایران
زنده باد همبستگی بین المللی
کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی
فوریه ۱۹۸۲

● کمیته مرکزی حزب مترقی خلق زحمتکش قبرس (آکل) در نامه‌های خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران چنین مینویسد:

رفقای عزیز، کمیته مرکزی آکل با درودهای گرم برادرانه شما، با حیرت از بازداشت رهبران حزب توده ایران و رفیق نورالدین کیانوری مطلع شد. ما در این باره تلگرامی برای آیت الله خمینی فرستاده ایم که متن آن در ارگان مرکزی ما هم بچاپ رسیده است.

از فرصت استفاده میکنیم تا باز دیگر همبستگی برادرانه خود را با شما و خلق ایران تاکید کنیم. امیدواریم انقلاب ایران در راه پیشرفت واقعی و در راستای ضد امپریالیستی گام بردارد و از کمونیسم ستیزی پاک شود.

متن تلگرام بدین قرار است:

آیت الله خمینی تهران کمیته مرکزی آکل و تمام مردم مشرقی قبرس از خبر بازداشت نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران شگفت زده شدند و خواهان حالت شما برای آزادی آنان هستند. تعقیب مبین پرستار توده‌های که با فداکاری علیه رژیم شاه پیکار میکردند و از انقلاب پیکرانه پشتیبانی میکنند ضربه نیست علیه جنبه‌های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب از کیاس پاپایوانو د بیر کل آکل

● حزب کمونیست مصر در نامه‌های خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران مینویسد:

رفقای گرامی، کمیته مرکزی حزب کمونیست مصر بخاطر وضعی که در کشور شما پیدا شده و منجر به بازداشت رهبران حزب شما و از جمله رفیق نورالدین کیانوری د بیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران گردیده است یواضع نگران میباشد.

حزب ما خوب میداند که حزب شما بیشتر از چهل سال است که با سرخستی در راه منافع زحمتکشان پیکار میکند و در اینسراه تجربیات فراوانی بدست آورده است.

بنیاید تردید داشت که شما دشواری کنونی را نیز از سر خواهید گذرانند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست مصر، در این لحظات دشوار، پشتیبانی کامل خود را نسبت به حزب شما، اعضا و رهبران آن ابراز میدارد.

● حزب کارگری کمونیستهای سوئد نیز طی تلگرامی که به سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم فرستاده به بازداشت رفیق کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران اعتراض کرده است.

متن این تلگرام روز ۱۷ فوریه ۱۹۸۲ در ارگان حزب بچاپ رسیده است.

مسلمانان مبارز برای تحقق عدالت اجتماعی می رزمند!

در برابر خون شهیدان مسئولیم

بقیه از صفحه ۱

می کند :
" آری "

ترویس شکل اقتصادی گرفته است .

حجت الاسلام گزویی در نماز جمعه چند روز پیش خطاب به مردم و زحمتکشان هشدار می دهد ، که آنها که به هر "بچه مسلمان صادق" مهر می زنند "می خواهند سرشان کلاه بگذارند !"

چنین است گوشه‌ای از آنچه که این روزها

به مثابه واکنش مسلمانان مبارز و پیروان صادق

خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی در

مقابل یورش راستگرایان دیده می شود . کوششی

که همواره مورد پشتیبانی ما بوده و خواهد بود .

هشدار این د ولت مردان در عین حال کم

واکنش و مقاومت آنها را در مقابل یورش راستگرایان

نشان می دهد و مرحله حساس و برای حیات

انقلاب تعیین کننده را بر می شمرد . همچنین

این نکته را نیز نشان می دهد ، که راه عملی

برون رفتن از این تنگنای خطرناک چیست ؟!

روزنامه کیهان (۱۰ اسفند ۶۱) این راه را ترسیم

می کند و "بسیج تمامی توان جامعه" و "یاری

گرفتن از مردم مسلمان و انقلابی" را پیش شرط

برون رفتن از این ورطه خطرناک میدانند .

واقعیت نبرد چهارساله طبقاتی پس از انقلاب

و تجربه گذشته خلقهای میهن ما و خلقهای دیگر

جهان نیز همین را می آموزد ، که بدون تجهیز و

"بسیج تمامی توان جامعه" بدون تجهیز و

بسیج زحمتکشان نمی توان بر امپریالیسم و ارتجاع

پیروز شد ، نمی توان زمین را به دهقان داد ،

بازرگانی خارجی و داخلی را از چنگ غارتگران

ترویس خارج ساخت ، نمی توان زمین های

شهری را ملی اعلام کرد و آنها را برای ساختن مسکن مناسب و ارزان برای زحمتکشان به کار گرفت نمی توان قانون کار در خدمت کارگران نوشت و تصویب کرد ، نمی توان حق برابر زنان و مردان ، حقوق مساوی در برابر کار مساوی را تامین کرد نمی توان حقوق دیکراتیک و آزادی های قانونی را حافظ بود ، نمی توان بیسپادی را برانداخت و سطح فرهنگ جامعه را ارتقا داد ، نمی توان نمی توان

هم آیت الله موسوی اردبیلی و هم آقای مهدی

موسوی خامنه ای لزوم تصویب قوانین بنیادی را

توسط قوه مقننه پیش شرط کار و عملکرد مثبت هر دو

قوه قضائیه و مجریه می دانند . این نظر درستی

است ، ولی بدون تجهیز خلق ، تجهیز زحمتکشان

و مستضعفان دسترسی به این خواست ممکن

نخواهد شد ! بدون تجهیز خلق و زحمتکشان

انقلاب قادر نخواهد شد قوانین بنیادی را به

تصویب برساند و اگر هم این قوانین از مجلس

بگذرند و مورد "توی" شورای نگهبان هم واقع

نشوند - البته تجربه ماههای اخیر نشان داد

که این فرض ، با توجه به تناسب قوا کنونی ما بین

دو خط موجود در حاکمیت ، فرضی انتزاعی است .

- باز هم بدون تجهیز و بسیج خلق پیاده کرد

آن قوانین ، به مورد اجرا در آوردن آن قوانین

ممکن نخواهد بود ! زیرا غارتگران با نصیحت

و پند دست از منافع خود بر نمی دارند !

مگر تجربه اجرای فرمان هشت ماده ای امام نیز

در تأیید این واقعیت نیست ؟ مگر راستگرایان

نتوانستند ، به قول آیت الله موسوی اردبیلی ،

پرورد متعادل زیادگد ستروش کار خیابان را به

عوان کرانفروشی روی میز هیئت پیگیری قرارداد

و عملاً کار را فلج کنند ؟

میهن ما بیکار دیگر هم در تاریخ چند دهه اخیر حیاتش در مقابل یک چنین وضعی قرار نداشت . درس های تجربه تلخ و فاجعه آمیز ۲۸ مرداد ۳۳ می آموزند ، که نباید به راهی رفت که بعد ق به آن قدم گذاشت . او ، انوشته که تشخیص داد ، که برای ملی کردن صنعت نفت باید خلق را تجهیز کند ، باید جبهه متحد خلق را سازمان دهد ، باید ریشه سلطنت و ارتجاع را در آورد ، عقب نشست ، تسلیم شد ، خلق و مبارزات آن را برای یک آینده بهتر و روشنتر فدای "پایه های" سلطنت کرد ، فدای منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان کرد . انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی ما سلطنت را برانداخت ، اما هنوز پایه های اجتماعی آن ، که همان کلان سرمایه داری ، همان غارتگران و محتکران ترویس است ، همان بزرگ زمین دار و نفوذال و خان است ، باقی است و برای تثبیت مواضع متزلزل خود می کوشد .

نباید یک بار دیگر منافع خلق را ، آینده بهتر و روشنتر زحمتکشان را فدای منافع این ترویس های اقتصادی ، این کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران کرد ! در مقابل خون شهیدان مسئولیم !

طلسم وحشت را باید شکست!

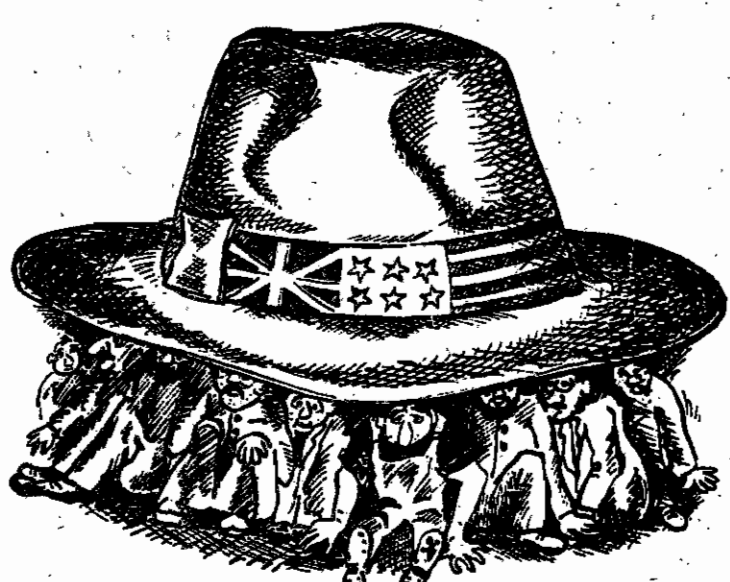
حزب ما ، رفقای رهبری حزب ما ، نه اکنون جمهوری اسلامی زندانیان آنها شده است ، راه برون رفتن از ورطه خطرناکی را که انقلاب دچار آن است ، نشان داده اند .

راه ، تنها راه ، تنها راه عملی و ممکن ، تنها راه عملی ، ممکن و پیروزمند تجهیز خلق زحمتکش و ایثارگر و حامی انقلاب و متشکل کردن آن در جبهه متحد خلق است ، تنها راه ، برپا کردن یک "انقلاب دیگری" است !

باید به قول روزنامه کیهان "لانه های تیمی" ترویس های اقتصادی را تسخیر کرد ، باید "طلسم وحشت" را شکست و "لانه های" دیگر ارتجاع و راستگرایان را در نهادها و حاکمیت به دست خلق گشود و سنگر ضد انقلاب را برانداخت .

آری ، در مقابل یک چنین وظیفه تاریخی ای انقلاب و مسئولان خلقی آن و تمام مسلمانان مبارز قرار دارند .

اولین قدم در این راه آزادی رهبران حزب توده ایران و دیگر رفقای مبلد افغان در بند انقلاب و همچنین ایجاد امکان عملی فعالیت آزاد سیاسی برای حزب ما و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است . بدون این قدم اول هیچکس قادر نخواهد شد . نوسازی جامعه را به نفع زحمتکشان سازمان دهد ! زیرا بدون این قدم هیچکس قادر نخواهد شد خود را از زیر شانتهای ضد توده ای و ضد شهری ، که وسیله اصلی پیشری راستگرایان و مادر تمام مشکلات مسلمانان مبارز انقلابی است ، نجات دهد . ما در این مورد به همه مسئولان انقلابی و مسلمانان مبارز هشدار می دهیم !



"مواظب باشید کلاه سرتان نرود!"

هفتمین کنفرانس سران جنبش غیرمتعهدها با موفقیت به کار خود پایان داد

در پایان این کنفرانس سران و روسای هیئت‌های نمایندگی کشورهای عضو اسناد مهمی را از جمله سند اصلی "پیام از دهلی" را تصویب کردند. آنها مخالفت خود را با تولید و تکامل و استقرار سلاحهای جدید هستهای اعلام داشتند. ۱۰۱ کشور عضو این جنبش منع استعمال سلاحهای هستهای و تهدیدات هستهای را خواستار شدند. آنها همچنین عراق و ایران را فراخواندند تا به جنگ پایان داده و تمام اختلافات موجود را از طریق مذاکره حل نمایند. قبلا قرار بود مسئله جنگ در بیانیه پایانی کنفرانس ذکر شود، اما هیئت ایرانی که ریاست آنرا مهندس میر حسین موسوی نخست وزیر در اختیار داشت با این امر مخالفت کرد و کنفرانس در پیامی جداگانه که از طرف اینسندیرا گانندی تهیه شده بود خواستار پایان فوری جنگ شد.

در مصوبات اجلاس ایجاد مناطق عاری از سلاح هستهای خواسته شده تا از آن طریق مقدمه منع و نابودی کامل سلاحهای هسته ای چیده شود. آنها مخالفت خود را با کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضا و استفاده از تحقیقات فضائی برای اهداف نظامی اعلام کردند. در این سند مبارزه خفیه برای کسب استقلال اقتصادی و استعمارزدائی به مثابه گام مهمی در جهت مبارزه برای صلح قلمداد شده است.

کشورهای غیر متعهد در رابطه با اوضاع خاور نزدیک و جنوب آفریقا و اقیانوس هند و خصوصاً آمریکای مرکزی و سیاستهای دولت آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند. کمیسیونی به ریاست ایندیرا گانندی تشکیل شد تا با بررسی اوضاع خاور نزدیک را به حلی عادلانه برای مسئله فلسطین ارائه کند. سازمان آزادبخش فلسطین نیز به عضویت این کمیسیون انتخاب شد.

ایندیرا گانندی که ریاست جنبش را برای سه سال در اختیار گفت در نطق پایانی خود خواست کشورهای عضو جنبش برای ایجاد نظام نسوین اقتصادی بین المللی و رفع سد های تجاری را بپذیرد داشت. وی در ادامه صحبتهای خود افزود که بعضی کشورها و بنگاههای مالی بین المللی تلاش میورزند تا آمریکا یا پنهان بر کشورهای در حال رشد فشار آورند یا آنها را فریب دهند. وی کشورهای عضو را فراخواند تا علیه این سیاست به مقابله بپردازند. وی اظهار داشت که عده ای میخواهند این جنبش در نتیجه اختلاف نظرها و مشاجرات در حول آنها از هم بپاشد. بساید گفت که کشورهای غیر متعهد در همه زمینه ها متفق نظر نیستند. اما همه بر آنند که متحد در راه صلح و تکامل اجتماعی و برابری کشورها و خلقها در سراسر جهان مبارزه کنند.

وی افزود با وجود اختلافات سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک که منشأ آن ترکیب کشورهای عضو است - بعضی کشورهای سوسیالیستی و سوسیالیست

سرمایه داری عضو این جنبش اند - این کنفرانس توانست حول مسائلی نیز که شدیدترین اختلاف نظرها موجود بود، از جمله جنگ عراق و ایران نظر مشترکی بیان دارد.

وی در مصاحبه مطبوعاتی پس از پایان کنفرانس نگرانی عمیق خود را از حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند اعلام کرد و اظهار داشت که هر روز کشورهای بیشتری به عمق خطر پی برده و صدای اعتراض خود را علیه این سیاست بلند کرده و می

از زیر ضربه و یا بزرگ کردن مسائل فرعی و بی مورد و در آخر سالوسی ریگان در نامه اش به خانسنگ گانندی که آرزوی "موفقیت" کنفرانس را کرده بود هیچکدام به هدف نشستند. خواست تمام کشورها برای ادامه مبارزه این جنبش و شرکت فعال آن در زندگی اجتماعی جهان چنانکه در سند نهائی نیز آمده است که این جنبش به نمایندگی از طرف اکثریت کشورهای جهان از تمام کشورها میخواهد تا در حل عادلانه و فوری تمام مسائل اشتراکات



تبلندند که این منطقه به منطقه غیر نظامی تبدیل شود. وی درباره مسائل افغانستان که عند مای کوشش کردند آنرا به یکی از بحثهای اصلی کنفرانس بدل کند و گفت: اگر کشوری خود را مورد تهدید حس کند و از کشور دیگری تقاضای کمک نظامی کند مسئله داخلی این کشور است. تمام سرو صداهائی که در این باره بلند میشود هیچ کمکی به حل مسائل این منطقه نمیکند.

تصویب سند نهائی کنفرانس را باید موفقیت بزرگی معریرغم تمام تبلیغات رسانه های گمراهی امپریالیستی و برای این جنبش قلمداد کرد. در این پیام تمام مسائل عند مای که در حال حاضر مردم جهان و خصوصاً کشورهای در حال رشد با آنها روبرو اند قید شده و خواسته شده است تا راه حلهای جمعی و عادلانه برای آنها جستجو گردد. مسئله حفظ صلح و تنش زدائی و منسوخ تسلیحات هسته ای و بحران اقتصادی موجود و تاثیر آن بر اوضاع اقتصادی کشورهای در حال رشد و سیاست اقتصادی کشورهای غربی و بنگاه های مالی جهانی و منازعات جهانی و خطر آن برای صلح، مبارزه خلقهای کشورهای در حال رشد برای تأمین حق حاکمیت ملی و کسب استقلال اقتصادی و حمایت از جنبش های رهایی بخش ملی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مسائل بود که از طرف اکثریت کشورهای شرکت کننده مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در سند نهائی نیز بازتاب یافته اند. تمام مانورهای امپریالیستی برای خارج کردن خود

و سهم خود را برای حفظ صلح جهانی و ایجاد روابط برادرانه میان خلقها بر پایه برابری و احترام به شرف انسانی ادا نمایند.

شرکت آقای موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در هفتمین اجلاس سران کشورهای غیر متعهد باردیگر اصول و معیارهای حاکم بر سیاست خارجی کشورمان را بصورت موضوع بحث محافل سیاسی و اجتماعی در ایران در آورد.

سیاست جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس غیر متعهدها بر مبنای يك سری تصورات ما و را طبقاتی قرار داشت، این سیاست به نبرد طبقاتی بین کار و سرمایه، به نبرد خلقهای تحت ستم با امپریالیسم، به نبرد بین استثمار شونده گان و استثمار کنندگان توجه داشت و لذا، فاقد یسک محک واقعی علمی برای شناخت دوست و دشمن بود، و در نتیجه در عین حال که از انقلاب نیکو را گوشه و پولیساریو و مبارزاتشان علیه امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا دفاع کرده، همدا با مصر و پاکستان و ... به جا ننداری از ضد انقلابیون افغانی پرداخت که، مورد تایید و کمک بی شائبه امپریالیسم آمریکا میباشند.

این ضعف جدی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، و تا زمانیکه ترك و تصحیح نشود، زمینه سوء استفاده ضد انقلاب، ارتجاع و راستگرایان خواهد بود تا با کمک آن مسلمانان مبارز را زیر فشار شائتاز ضد کمونیستی قرار دهند و از مواضع خلقی شان پس برانند.

چهارمین سالگرد انتشار دوره جدید "نامه مردم"

۲۳ اسفند سالروز انتشار اولین شماره "مردم" (نامه مردم) ، ارگان مرکزی حزب توده ایران ، پس از انقلاب است . "راه توده" چهارمین سالگرد انتشار دوره جدید "مردم" را گرامی میدارد .

پیش از انقلاب نیز ، در کشور ما مردم با نام "مردم" بعنوان روزنامه‌ای که همواره در کنلر آنها بوده است آشنا بودند . در نخستین سالهای حیات و نبرد حزب توده ایران ، زمانی که محافل بغایت ارتجاعی از ناآگاهی بخشی از جوانان کشور ما سوء استفاده کرده و به تبلیغات فاشیستی دامن می‌زدند ، "مردم" ، نبره ضد فاشیستی شجاعانه به افشای فاشیسم پرداخت و به همین علت نیز فروشندگان و توزیع کنندگان آن بکرات مورد حمله و ضرب و جرح د از دست‌های فاشیستی قرار گرفتند .

در سالهای پس از آن نیز ، "مردم" بیانگر صدای حق طلبانه مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری مردم ایران بود و در این رهگشای شایستگی خود را در احراز نام مقدس خود به ثبوت رسانید . چه قبل از کودتای ۲۸ مرداد و چه پس از آن ، "مردم" مواضع استقلال طلبانه ، آاد یخواهانه و عدالت‌پروانه حزب توده ایران را به مردم می‌رسانید .

اما بی‌شک ۵۲۷ شماره دوره پس از انقلاب ارگان مرکزی حزب توده ایران ، نقطه اوجی در تاریخ کار مطبوعاتی ضد امپریالیستی و مردمی در میهن ما است . "مردم" و پس از آن "نامه مردم" ، پس از انقلاب يك دم از افشای توطئه‌های رنگارنگ آمریکا و اذنباش علیه انقلاب فرو نشست و به همین دلیل به آماج کینه توزی قطب زاده‌ها و امپراتور نظام‌ها و بنی صدرها تبدیل گشت . "مردم" که با استفاده از حق مسلم و قانونی انتشار مطبوعات مدافع انقلاب ، منتشر می‌شد ، به همت دها و صد هها رزمده توده‌ای بدست مردم می‌رسید . انتشار مواضع اصولی ، انقلابی و علمی حزب توده ایران در چنین سطح وسیعی ، هر چند که به علت کارشکنی‌های انحصار طلبان ضد قانون بسا موانع بی‌شمار روبرو گشت و عاقبت نیز نزدیک به دو سال است که با توقیف غیرقانونی "نامه مردم" متوقف شده است ، بسیار سریع تائیسیر خود را در جو سیاسی ایران گذاشت . دشمنان حزب توده ایران که به پشتوانه ۲۵ سال لجن پراکنسی علیه حزب گمان می‌کردند اثرات تبلیغات مسمومان باین زودی ها از بین نخواهد رفت ، بایک واقعیت سرسخت روبرو شدند ، و آن این است که اگر ندایی د

دفاع از حق زحمتکشان باشد ، بدل مردم می‌نشیند ، هر چند که همه تریبون‌ها و امکانات در اختیار دشمنان و مخالفان باشد . فعالیت مستمر و پیگیر تبلیغی و ترویجی حزب توده ایران ، که در دو سال اول انقلاب بطور عمده از طریق "نامه مردم" انجام گرفت ، در میان توده‌های وسیع خلق ، در میان مسلمانان مبارز پیرو خط امام و در میان نیروهای صادق ولی گمراه شده ، چپ‌اثرات قابل توجهی بجای گذاشت . ارائه راه حل علمی و انقلابی برای کلیه مشکلات انقلاب ، برملا کردن نقشه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا ، دفاع پیگیر از شعار "جبهه متحد خلق" و ... همه و همه خدمات پیگیری است که "نامه مردم" برای انقلاب انجام داد . تلاش بمنظور خنثی کردن توطئه‌های تفرقه افکنانه دشمن ، کسه همچون خط سرخی در تمام ۵۲۷ شماره ارگان مرکزی حزب توده ایران قابل رویت است ، با تحول چشمگیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مدافع پیگیر و استوار انقلاب ، به نخستین نمره بزرگ خود رسید . این تلاش بی‌شک در آینده ثمرات بزرگ دیگری بپلر خواهد آورد و به تشکیل جبهه متحد خلق خواهد انجامید ، چه دشمنان انقلاب و تفرقه افکنان بخواهند و چه نخواهند .

متأسفانه در بهار ۱۳۶۰ ، همزمان با اوج گیری توطئه جبهه متحد ضد انقلاب بسرکردگی بنی‌صدر خائن ، "نامه مردم" نیز همراه بسا روزنامه‌های ضد انقلابی "میزان" و "انقلاب اسلامی" برای حفظ "توازن" (!) توقیف گشت ، در حالی که بی‌شک پیگیرترین افشاگری‌ها در مورد طیف ضد انقلاب داخلی و خارجی از آن "نامه مردم" بود .

از آن زمان تا کنون ، علیرغم منافع انقلاب و با وجود تاکیدات و تشریحات رهبر انقلاب امام خمینی و سخنگویان طراز اول خط امام ، عملاً هر روز امکانات انتشارات و تبلیغات حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محدود و محدودتر گشته است . اینک نیز با هجوم اخیر علیه حزب توده ایران و بازداشت غیرقانونی رهبران حزبی ، از جمله رفقای که در تنظیم و اداره "نامه مردم" شرکت فعال و موثر داشته‌اند ، مخالفان راستگرای حزب توده ایران توانسته‌اند سیاست اعمال فشار و تضییق علیه نیروهای دگراندیش مردمی را به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تحمیل کنند ، حال آنکه ۵۳۰ شماره "نامه مردم" گواه آن است که بقل نامه سرگشاده حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران مورخ ۲۸ اردیبهشت ۶۱ "يك جمله به زبان انقلاب" نمی‌توان در آن یافت . برای "راه توده" افتخار بزرگی خواهد بود ، اگر بتواند گامی ، هر چند کوچک ، در راهی که "نامه مردم" مظهر آن است ، بپسردارد و شایسته نامی باشد که بر خود نهاده است .

گوشه‌ای از تاریخچه انتشار افکار مارکس در ایران

زحمتکشان ایران تحت شرایط فوق‌العاده مدلی مشترک با تفاق تمام نیروهای مترقی جهان صد وضعت و پنجمین سال تولد و صدمین سال فوت کارل مارکس این فرزند بزرگ خلق آلمان که با تفاق فریدریش انگلس بنیان گذار سوسیالیسم علمی ، جهان بینی انقلابی ، تئوری و برنامه انقلابی جنبش کارگری می‌باشد بخاطر می‌آورند . نتامل پیروزمندانه سوسیالیسم در بخش عظیمی از جهان تأیید کاملی است از تئوری مارکس . در عصر ما ، در این سالگرد می‌توان پیش‌گویی کرد که در آینده هم بر ایده های مارکس - چنانچه در گذشته هم به اثبات رسیده - نتوان پیروز شد . در پایان قرن نوزده و اوائل قرن بیستم ، در دورانی که روند تبدیل ایران به يك کشور نیمه مستعمره در جریان بود ایده های مارکس در جنبش آزاد یخواهانه خلق ایران راه پیدا کردند . در نوشتجات چندی از روشنفکران پیشرو مانند آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی - هر چند به شیوه نامفهوم - با بعضی افکار مارکس که چند دهه قبل در اروپا ، تکامل یافته روبرو می‌شویم . در انقلاب مشروطه ایران در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱ که تحت تاثیر انقلاب بورژوا دمکراتیک روسیه در سالهای ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ بود افکار مارکس بیش از پیش رواج می‌یافت . سوسیال -

دمراتهای روسیه به برادران انقلابی ایرانی خود با فکر و عمل کمک می‌رسانند . اکثر کما میابیهای نیروهای انقلابی ایران به این کمکها مربوط می‌شوند . در دوران دیکتاتوری رضا شاه که از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱ به طول انجامید ، حزب کمونیست ایران که در سال ۱۹۲۱ تاسیس شد تحت سختترین فشارها قرار گرفت . در سال ۱۹۳۱ يك قانون ضد کمونیستی به تصویب رسید که عضویت و تعلق و یا هرگونه فعالیت برای این تشکیلات مواجه با سخت ترین مجازات می‌شد . تاسیس حزب توده ایران در سال ۱۹۴۱ ، حزب طبقه کارگر ایران که بر مبنای مارکسیستی - لنینیستی مبتنی است ، مرحله نو در گسترش افکار مارکسیستی بوجود آورد . در کوه تاهترین مدت حزب موفق شد که بسیاری از آثار کلاسیک مارکسیسم لنینیسم را به زبان فارسی ترجمه کند و به تعداد زیاد منتشر نماید . انتشار مانیفست حزب کمونیست به زبان فارسی که توسط کارل مارکس و فریدریش انگلس تالیف شده بک انعکاس بزرگی در بین زحمتکشان ایران بوجود آورد . حزب توده ایران فقط چند سالی توانست بسه شیره آشکار فعالیت کند و معمه‌ذا موفق شد بسا بقیه در صفحه ۱۵

سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت و تجربه اندوزی از مبارزات گذشته

۲۹ اسفند ۱۳۶۱، سی و دو سال از تصویب قانون ملی شدن نفت میگذرد. دوران قبل و پس از تصویب این قانون فصل تاریخی مهمی را در تاریخ مبارزات مردم ایران بخاطر رهاشی از تسلط امپریالیسم و یوغ استبداد سلطنتی تشکیل میدهد. تصویب این قانون نتیجه مبارزات مداوم مردم ایران علیه سلطه انحصارات نفتی بود، که خود سرآغاز جنبش عظیم ملی شدن نفت به عنوان جنبش ضد امپریالیستی در راه تأمین استقلال و آزادی قرار گرفت.

تصویب قانون ملی شدن نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس، که اکثریت آنان را نمایندگان غیر منتخب مردم تشکیل میدادند، انعکاس پیروزی مندی مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران بود. این پیروزی خود سرآغاز دورانی شد که طی آن نه فقط دولت ملی دکتر محمد مصدق زمام امور را بدست گرفت، بلکه با تکیه بر پشتیبانی خلق توانست از شرکت انگلیسی نفت خلع ید کند، به تسلط این هیولای نفتخوار، که دولتی دردولت ایران بود، پایان دهد، امپریالیسم انگلیس را از مواضع سیاسی خود در ایران براند و زمینه را برای حرکت ایران در راه استقلال و برخورداری از آزادی و دموکراسی، که شرایط اساسی پیشرفت جامعه و کشور بود، فراهم آورد. در نیل به تمام این هدفها، دولت ملی دکتر مصدق از پشتیبانی کامل همه مردم و در پیشاپیش آنها

اصیل ترین نیروهای مترقی - حزب - بوده ایران برخوردار بود. اما نقاط ضعف جنبش ملی شدن نفت، که در ابتدا اندک بود، و به رفع آنها در جریان جنبش اقدام نشده، در نهایت به شکافهای عظیم بدل شد. امپریالیسم و ارتجاع درباری فرصت یافتند که با کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نتایج مهم جنبش ملی شدن نفت را از بین ببرند و دیکتاتوری سیاه دست نشاند های را پس از ازلی یک ربع قرن بر مردم ایران تحمیل کنند. متأسفانه آنچه در جریان ملی شدن نفت تحقق نیافت، اتخاذ چنان استراتژی و تاکتیکی بود که بسرای مقابله با امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و مرتجعین داخلی بسرکردگی دربار، باشکست و طبق آن عمل شود.

قبل از همه رهبران جنبش ملی شدن نفت و حتی خود دکتر مصدق چنانکه باید و شایسته نقش سرکوبگر امپریالیسم آمریکا بعنوان زاندرلم بین المللی را جدی نگرفتند. و در نقطه مقابل این امر، رهبران، دانسته یا ندانسته در دام تبلیغات امپریالیستی افتادند، که در باره "خطر کمونیسم" در ایران جنجال میکرد و بدینوسیله از نزدیکی ایران و اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی جلوگیری مینمود. بدینوسیله عملاً به جنبش ملی شدن نفت ضربه میزد. در داخل کشور نیز رهبران جنبش به نقش تودمهای زحمتکش

و اثر آنان در جریان مبارزات ضد امپریالیستی و مردمی عمیقاً بی نبردند.

پیروزی جنبش ضد امپریالیستی و مردمی در آن دوران و امروز نیز، بدون شرکت تودمهای عظیم زحمتکش - کارگران و دهقانان محال است. رهبران جنبش ملی شدن نفت با توجه به این واقعیت باید برای کارگران و زحمتکشان آزادی فعالیت صنفی و سیاسی را به رسمیت می شناسد. ختند و برای جلب دهقانان باید به انقلاب ارضی یعنی سلب مالکیت از فئودالها و ملاکین عسده میرد اختند. در هیچیک از این زمینه ها رهبران جنبش ملی کردن نفت به اتخاذ تصمیمات قاطع نپرداختند. انقلاب ارضی انجام نشد و عدترین سازمان صنفی کارگران و زحمتکشان ایران، شوروی متحد، مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران و سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران - حزب تسوده ایران در دوران ملی شدن نفت آزادی فعالیت رسمی و قانونی خود را باز نیافتند.

امپریالیسم و ارتجاع داخلی در اتحاد پسا یکدیگر، پس از آنکه جنبش ملی شدن نفت دو سال و نیم تمام ادامه یافت و به پیروزیهای چشمگیری در زمینه های احیا، استقلال سیاسی و اقتصادی ایران نائل آمد، توانستند با کودتای ۲۸ مرداد چرخ تاریخ را در کشور ما به عقب برگردانند. کودتا پیروز شد و ایران مجدداً به اسارت امپریالیستی دول آمریکا و انگلیس پیوسته انحصارات عسده غارتگر درآمد. از این پس امپریالیسم آمریکا و کارتل بین المللی نفت "هفت خواهر" یکسره تاز میدان غارت و اسارت ایران شدند.

تجربه جنبش ملی شدن نفت به درس گرا - نهیاتی تبدیلی گردید و آن اینکه: هنگامیکه نیروی ملی و مترقی در کشورهای در حال رشد نتوانند یکدیگر را درک کنند و به تشکیل جبهه واحدی در برابر تسلط امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته آن اقدام نمایند، دچار شکستهای فاحش و زیانهای عظیم جبران ناپذیر می گردند. این فاجعه در کشور ما رخ داد و عدم توفیق نیرو های ملی و مترقی در ایجاد تفاهم و همکاری بین خود، که طبعاً مسئولیت آن متوجه نیروهای میگرد که در حاکمیت بودند، به شکست جنبش ملی شدن نفت و استقرار رژیم کودتا منجر شد. امروز نیز اگر در محاسبات اصولی خود در مسائل اساسی انقلاب دچار اشتباه باشیم، یا بشویم، مسلماً در پایان کار به جایی جز آنچه حکومت ملی دکتر مصدق رسید، نخواهیم رسید.

جنبش ملی شدن نفت ایران امروز یک رویداد تاریخی است. از درسهای گرانبهائی این جنبش، که از صفحات زمین مبارزات استقلال طلبانه و آزاد خواهانه مردم ایران است - استفاده کنیم، نقاط قوت آنرا بکار بندیم و از اشتباهات و ضعفهای آن بهره نبریم.

حامیان سرمایه داران "صالح"

وزارت کار و امور اجتماعی می داند. حامیان کلان سرمایه داری در وزارت کار سرنوشت سواد آموزی بخش وسیعی از کارگران را به دست غارتگران سرمایه دار می سپارند.

این تصمیم ضد کارگری، اعتراض کارگران و همه مسئولین صادق نهضت سواد آموزی را برانگیخته است. به عنوان نمونه می توان نامه یکی از مسئولین نهضت سواد آموزی زاهدان، سیستان و بلوچستان را که در روزنامه اطلاعات (۲۵ بهمن ۱۳۶۱) آمده است، ذکر کرد. ما بخشی از نامه را در زیر تجدید چاپ می کنیم:

شما مسلح حال عموم کارگران شود ایران را سراسر مدرسه کنیم (امام خمینی) اخیراً بخشنامه ای راجع به سواد آموزی کارگران به مراکز کارگری دولتی داده شده که من پیشنهادی راجع به این طرح، به شرح زیر دارم:

با توجه به گفته های پیامبرگونه امام آمنت راجع به سواد آموزی این بخشنامه را شامل حال مراکز کارگری خصوصی نیز بنمایند تا دیگر بیسواد در جامعه باقی نماند.

"نهضت سواد آموزی یک وظیفه انقلابی است" عنوان مقاله ای بود، که در راه توده شماره ۲۶ (۸ بهمن ۶۱) از نظر خوانندگان گذشت.

راه توده در این مقاله جوانب مختلف آئیننامه سواد آموزی کارگران را در پند های مختلف آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. به خصوص بنسب ۱۸ آئیننامه با روح حاکم بر آن و با فرمان اصم خمینی در تضاد است:

"بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده برای مبارزه با بیسوادی به طور ضروری و بسیج عمومی قیام کنید"

با وجود تأکید امام مبنی بر برکنندن بیسواد یی وظیفه ملی و انقلابی است. متأسفانه آنطور که در طرح سواد آموزی کارگران، که توسط وزارت کار ارائه شده است، اجرای طرح در کارگاههای بخش خصوصی از شمول قانون بیرون گذاشته شده است.

بند ۱۸ طرح، اجرای مفاد آئیننامه را در مورد بخش خصوصی، منوط به توافق بین مسئولین (مالکین) کارگاههای مزبور و مسئول واحد سواد آموزی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اقدامات عملی دمکراسی انقلابی در زمینه ارضی

معرفی کتاب

تجربه حل مسئله ارضی در کشورهای آسیایی و آفریقایی



تجربه حل مسئله ارضی در کشورهای آسیایی و آفریقایی مجموعه‌ایست از مقالات یا برگزیده مطالبی که پیرامون جوانب گوناگون مسئله ارضی در کشورهای آسیایی و آفریقایی که راه رشد سرمایه‌داری را طرد کرده‌اند نگاشته شده است، و هم اکنون از طرف انتشارات جنبش سوده ایران منتشر شده است. این مجموعه ما را با تجربیات راه‌های متنوع و بختی که کشورهای آزاد شده و مستقل این دو قاره از آنها رفته‌اند تا به مسائل ارضی میهن خود پاسخ گویند آشنا می‌سازد.

مجموعه مقالات و مطالب این کتاب شما را با گوشه‌ای از تجربه غنی و بسیار متنوع در هر یک از کشورهای مورد بحث و در مجموع آنها آشنا میکند و برای ما که روستاهای میهنمان در انتظار تحول بنیادی و مسئله ارضی نیازمند یک راه حل اساسی و انقلابی است، آشنایی با این تجربیات میتواند بسی درس آموز باشد.

ما امیدواریم که نثره این کار مورد مطالعه دقیق و استفاده خلاق هزاران مبارز انقلابی راستین که خواستار تحکیم و تعمیق انقلاب بزرگ و ضد امپریالیستی و مردمی، میهنمان و تقویت و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران هستند قرار گیرد.

ما در زیر آخرین بخش این کتاب را برای آشنایی خوانندگان عزیز "راه سوده" منتشر می‌کنیم.

دولت الجزایر، در کشاورزی سیاست تحکیم بخش‌های خودگردان را که بر اساس ابتکار کارگران کشاورزی تاسیس شده، دنبال می‌کند. این بخش ۴۰ درصد ارضی زیر کشت و نزدیک به ۶۰٪ تمام تولیدات کشاورزی را در بر می‌گیرد. حواری بوم‌دین در سخنرانی به مناسبت چهاردهمین سالگشت انقلاب الجزایر گفت: "به عقیده ما بخش خودگردان یکی از دستاوردهای عمده انقلاب ما و یکی از شالوده‌های پیشرفت اقتصادی و جامعه سوسیالیستی ما است."

در سوریه، بخش دولتی تقریباً ۸۵ درصد تولید صنعتی کشور و ۲۰ درصد کل فعالیت اقتصادی را در بر می‌گیرد. قریب ۷۰ درصد تمام سرمایه‌گذاری‌ها به این بخش هدایت می‌شود و رشد تولید صنعتی، بطور عمده، از اولویت پیشرفت بخش دولتی ناشی می‌شود. در ششمین کنفرانس منطقه‌ای حزب سوسیالیست بعث عرب سوریه، که در آن هدف‌های عمده چهارمین برنامه پنج‌ساله پیشرفت ملی تدوین شد، این مسئله مورد تأکید قرار گرفت که برای دستیابی به این اهداف، بخش عمومی باید نقش کلیدی را ایفا کند. رهبران سوریه توجه خاصی به توسعه شبکه تعاونی‌های عرضه و فروش معطوف داشته‌اند. در پایان سال ۱۹۷۲، در این کشور نزدیک به ۱۶۰۰ تعاونی، که دربرگیرنده بیش از ۹۰ هزار دهقان بود، وجود داشت. حزب بعث در جهت تبدیل تعاونی‌های موجود به تعاونی‌های سطح عالی تر، یعنی تعاونی تولید، و استفاده از آنها بمناب "هسته‌های مناسبات جدید، سوسیالیستی" در روستا حرکت می‌کند.

در تانزانیا، محور اصلی کل مشی اجتماعی و اقتصادی دولت، تاسیس به اصطلاح "دهکده‌های سوسیالیستی" است. در زمان برگزاری شانزدهمین کنفرانس اتحادیه ملی آفریقایی تانگانیکا (تانو) در سپتامبر ۱۹۷۳، بنا به آمار رسمی ۵۵۶۶ دهکده سوسیالیستی با جمعیتی بیشتر از دو میلیون نفر وجود داشت. هر خانواده‌ای که در این نوع دهکده‌ها زندگی می‌کند باید در مزارع جمعی و در قطعه زمین شخصی خود، کار کند. در آغاز دهقانان تنها پس از پایان کار در قطعه زمین شخصی خود در مزارع جمعی فعالیت می‌کردند. درآمد حاصل از این مزارع به استفاده جمعی می‌رسید، دو یا سه سال بعد، که زمین‌های شخصی محصول قابل فروشی عرضه کردند، بطور دسته‌جمعی کشت شدند. برای دهقانان فقط قطعه کوچکی زمین برای کشت محصولات غذایی باقی مانده است.

در کنگو، مالکیت ملی بر زمین، منابع معدنی، جنگل‌ها، حمل و نقل و آب اعلام شده است. شالوده انحصار دولتی در بازرگانی خارجی ریخته شده و بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ استخراج، توزیع و انبارهای نفت ملی شدند. در کنگو به رشد بخش مختلط اقتصاد، با شرکت بخش‌های خصوصی و دولتی، توجه زیادی می‌شود.

دمکرات‌های انقلابی کنگو با کمک جنبش جوانان مشی تاسیس تعاونی‌های کشاورزی و دهکده‌های تعاونی و مزارع دولتی و نوسازی روستاها را دنبال می‌کنند. هر چند این سیاست، بنا به دلایل متعدد، عمیق و ذهنی، هنوز نتایج قابل توجهی به بار نیاورده است، اما دولت کنگو، علیرغم تمام مشکلات هنوز آن را دنبال می‌کند.

بدون تردید، بخش‌های عمومی و تعاونی سلاح عمده کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی در مبارزه علیه سرمایه خارجی، و در نوبت اول انحصارات، برای کسب استقلال اقتصادی و بنای یک اقتصاد ملی، هستند. این بخش‌ها ابزار موثری برای انباشت غیر سرمایه‌داری، یعنی جمع‌آوری وجوه لازم برای پیشرفت اقتصادی و اصلاحات اجتماعی، می‌باشند.

بعلاوه، در کشورهای تحت رهبری دمکرات‌های انقلابی، بخش‌های عمومی و تعاونی بمناب شکل‌خاص استقرار مالکیت جمعی در اقتصاد و مقابله با سرمایه‌داری مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنها این مشی را علیرغم برخی واگشت‌ها و انحرافات دنبال می‌کنند. بدین ترتیب، بخش دولتی به بنیاد اقتصادی مجموعه سیاست‌های ملی گراپانه، ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری رژیم‌های انقلابی دمکراتیک تبدیل شده است. بخش دولتی اغلب به‌استفاده پدیدایی یا رشد فول‌آسی می‌سازد.

این نکته در مورد کشورهای نسبتاً پیشرفته‌تر به روشنی نمایان است. مواردی چون فساد و اختلاس به وسیله کارمندان بخش دولتی این نتیجه‌گیری را یقینی نمی‌کند. این گروه از کارمندان، که دارای بیش بورژوازی هستند، آنقدر قوی نیستند که بتوانند از ثروتی که بطور غیرقانونی به جیب زده‌اند بمناب شالوده‌ای برای تاسیس نگاه‌های بزرگ و حتی متوسط استفاده کنند.

البته، نقش اجتماعی - سیاسی این گروه مسئله کاملاً متفاوتی است. در این زمینه آنان کاملاً قادرند که از سیاست‌های هوادار سرمایه‌داری حمایت کنند.

در آفریقای استوایی نیز، صرف نظر از ویژگی‌های آن، وضع مشابهی وجود دارد. در این منطقه نیز، بخش عمومی از پدیدایی مؤسسات خصوصی جلوگیری می‌کند و در همین حال، تا حدود عمیقی، زمینه‌ای برای پرورش عناصر سرمایه‌دار و با هوادار سرمایه‌داری، که بیشتر وجود نداشتند، محسوب می‌شود.

البته، در کشورهای در حال رشد، مانند هر جای دیگر، نقش و خصلت بخش دولتی به ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی و حتی، می‌توانیم بیافزاییم که، به خصلت رژیم‌ها، که بنیاد آنها بیشتر خرده بورژوازی است و اما سمت‌گیری‌های اجتماعی - سیاسی متفاوتی را دنبال می‌کنند، بستگی دارد. از اینروست که بخش دولتی در کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی مانند خود قدرت سیاسی سرشت انتقالی دارد. مبارزه حادی میان نیروهای اجتماعی - سیاسی گوناگون بر سر مسئله نقش و وظایف بخش دولتی در جریان است. کارفرمایان محلی و عناصر سوداگر و سنت‌باز، به همراه گروه‌های بورژوازی، می‌کوشند تا از بخش دولتی در جهت منافع خود استفاده کنند، روزنامه مصری الجمهوریه در مقاله‌ای با عنوان بخش سوم و خصایص ویژه آن، نوشت: "دلالت‌ها و صاحبان فروشگاه‌های شبکه بولاهات و تومبیل - های لوکس و گردانندگان بازار سیاه" می‌کوشند بخش دولتی را به خدمت بخش خصوصی درآورند و اولی را به زافده دومی تبدیل کنند. روزنامه برای مبارزه با این پدیده، دمکراتیزه کردن گسترده روند تولید را طلب می‌کند، یعنی قدرت دادن به تولیدکنندگان واقعی نعم مادی از طریق برقراری کنترل آنها بر جریان تولید و توزیع محصولات و ارتقاء جنبش کارگران و دهقانان به یک جنبش سیاسی.

رژیم‌های انقلابی - دمکراتیک یک مشی کم و بیش پیگیر را، در جهت مبارزه با اشکال گوناگون مناسبات اجتماعی - اقتصادی منسوخ دنبال می‌کنند. در این رابطه، مسئله مناسبات ارضی، که به زندگی اکثریت جمعیت این کشورها مربوط می‌شود، مورد توجه جدی است. اصلاحاتی که در این زمینه انجام گرفته نتایج مترقی مهمی به بار آورده اما این بدان معنا نیست که آنان راه‌حل بنیادین برای حل مسئله ارضی یافته‌اند.

برای نمونه، اصلاحات ارضی در مصر، که بنا به قوانین ۱۹۵۲، ۱۹۶۱ و ۱۹۶۹ در چند مرحله صورت گرفت، چهار روستاهای این کشور را درگرونی کرد. در ارزیابی نتایج این اصلاحات، در "فصلنامه بررسی اقتصادی" خاطرنشان شده است که اصلاحات ارضی قدرت زمینداران را بدون کاهش بارآوری تولید از میان برده است.

در عین حال، دمکراتی اجتماعی - اقتصادی در روستا به افزایش بقیه در صفحه ۱۵

مقاومت خلق اروگوئه در مقابل نقشه‌های رژیم نظامی

از سندیگاهای متحد و نیرومند اروگوئه گروه‌ها و سازمانهای کوچک تحت کنترل رژیم بوجود آورد. اتحادیه‌های کارگری اروگوئه به درستی این قانون را ضد کارگری معرفی کرده‌اند و این ادعا که این قانون حتی مغایر مصوبات پذیرفته شده از طرف رژیم اروگوئه در "سازمان بین المللی کار" میباشد، ادعائی کاملاً بجا است.

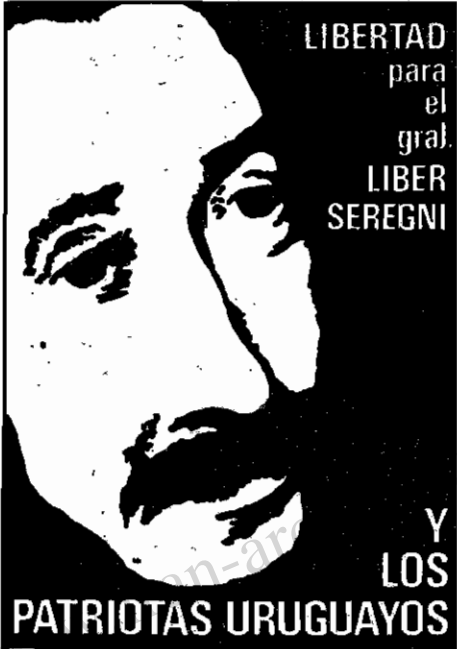
يك گام دیگر در جهت "دمکراتیزه" و "قانونی" کردن هیئت حاکمه اروگوئه، فرایند دوم نوامبر سال ۱۹۸۲ برای انتخابات نهاد های رهبری احزاب علنی بود. با اینکه با توجه به شرایط بوجود آمده این انتخابات در اصل افزایشی در دست رژیم نظامی برای "وتوی" ایجاد يك فضای واقعی باز سیاسی بود ۸۴ درصد کسانی که به پای صندوقهای رای رفته بودند به کاندیداهای اپوزیسیون و حزب بزرگ رای دادند، که در طول مبارزات انتخاباتی قول داده بودند در صورت پیروزی در انتخابات امکان فعالیت علنی را برای همه احزاب فراهم خواهد کرد و زتلانیا سیاسی را آزاد خواهند نمود.

بنظر حزب کمونیست اروگوئه در زمینه اتفاق نظر و نزدیکی نیروهای اپوزیسیون برای اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و احزاب مترقی در جنبه "فرنته آمپلیو"، برای مقابله با رژیم دیکتاتوری، گام مهمی به جلو برداشته شده است. این گام امکان عینی برای پیدایش يك فضای باز سیاسی واقعی را فراهم آورده است. کمونیستهای اروگوئه در عین حال تاکید میکنند که دیکتاتوری نظامی هنوز پا بر جاست و میبایست با همه قدرت علیه آن مبارزه شود.

تمام وقایع اخیر معرف آنست که اکثریت شکننده خلق اروگوئه در راستای ایجاد يك دموکراسی واقعی مبارزه میکنند و نقشه‌های رژیم نظامی نقش بر آب شده است.

نماینده منافع طبقه کارگر است و همچنین حزب سوسیالیست اروگوئه، حزب دمکرات مسیحی و جنبه مؤتلف احزاب دمکراتیک بنام "فرنته آمپلیو" از فعالیت علنی محروم شده‌اند.

با قانون جدید سندیکایی این هدف دنبال میشود که سندیکاهای دارای آگاهی طبقاتی یکبار برای همیشه از بین بروند. این قانون موزیانه میکوشد



از سه سال پیش به اینطرف رژیم نظامی اروگوئه میکوشد با ایجاد "فضای دمکراتیک"، حاشیسه امنیتی برای تثبیت حاکمیت خود خلق کند.

در پشت این "فرمول" جدید کوششهای محافل حاکمه که میخواهند با تظاهر به هواداری از حقوق تصریح شده در قانون اساسی، حکومت دراز مدت خود را برگردنه خلق تحمیل کنند، پنهان شده است. رژیم نظامی برای تحقق چنین برنامه‌های، طرح يك قانون اساسی جدید را پیشنهاد کرده و در ضمن لایحه جدید احزاب، قانون جدید سندیکائی و همچنین "انتخابات آزاد" برای سال ۱۹۸۴ را هم نظر گرفته است.

ولی هر روز آشکارتر میشود که رژیم نظامی همه این نقشه‌ها را بدون مراجعه به خلق و نیروهای دمکراتیک اروگوئه طرح کرده است. این موضوع را همه پرمی اخیر در مورد طرح پیشنهادی برای قانون اساسی جدید بخوبی نمایان ساخت، زیرا علیرغم شرایط دلخواه، یعنی ممنوع بودن احزاب چپ و نشریات اپوزیسیون، مردم قاطعانه این طرح را رد کردند. بدین طریق برای هر کسی آشکار شد که خلق اروگوئه خواهان دموکراسی واقعی است.

لایحه جدید احزاب نیز در خدمت تثبیت دراز مدت نیروهای حاکمه است. طبق این لایحه فقط دو حزب بزرگ بوزوائی "کلرادو" و "ملی" از فعالیت محدود آزاد و کنترل شده برخوردارند، در حالیکه حزب کمونیست اروگوئه که از ۶۰ سال پیش تا کنون همواره در زندگی اجتماعی کشور نقش داشته و پیگیرترین

امپریالیسم آمریکا از قدران نظامی پاراگوئه حمایت می کند

سازمان سیا و پلیس امنیتی آرژانتین در ۲۷ اوت ۱۹۸۰ رفیق آنتونیو مایدانا دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه را در بوئنس آیرس دزدانه دستگیر کردند. بدنیال این آدم ریائی آشکار که به دست مخالفان "تروریسم بین المللی" انجام یافت، رفیق مایدانا تحویل مقامات پلیسی رژیم دیکتاتوری نظامی پاراگوئه داده شد و پس از مدتی تغییر محل او در زندانهای مختلف، اکنون او را در زندان نظامی "اسپارزا" در صحرای لم یزرع نزدیک مرز پلیوی، در محلی که جز با هواپیما دسترسی به آن مقدور نیست، در شرایط غیر انسانی به زندگیر کشیده است.

رفیق مایدانا از سال ۱۹۵۸ به جسم فعالیتهای سیاسی و مبارزه در راه استقلال و آزادی پاراگوئه در زندان بسر می برد که در نتیجه فشار افکار عمومی مردم جهان در سال ۱۹۷۷ از زندان آزاد گردید. امپریالیسم و عمالشان نمی توانستند صدای آزاد خلق ستندیده پاراگوئه را تحمل کنند. از اینرو او را در گوشه‌های دیگر از قلمرو انحصارگران امریکائی دستگیر و به جلا دادن پاراگوئه سپردند.

ما آزادی رفیق آنتونیو مایدانا، این سمبل مبارزه خلق پاراگوئه به خاطر استقلال و آزادی را مصرحاً خواستاریم و تضییقات ضد دمکراتیک و ضد انسانی رژیم دیکتاتوری نظامی را در پاراگوئه شدیداً محکوم می کنیم.

پاراگوئه همراه است، کاملاً طبیعی و کاملاً منطقی است. امپریالیسم آمریکا قدرهای قدره کنش رژیمهای ستگر را زائیده و پرورانده است تا از قبل آنان خلقهای این کشورها را به غارت ببرد و از نیروی انسانی- نظامی جمع آنان برای اعمال سیاست های امپریالیستی خود در سرتاسر جهان بهره جوید.

مردم پاراگوئه و حزب کمونیست آن با الهام از پیشروی مبارزات آزاد بخش خلقهای امریکائی لاتین و وضع جدید امید بخش سیاسی در امریکای مرکزی به این مبارزه دشوار علیه دیکتاتوری دست نهانده امپریالیسم با استقامت و شهادت ادامه می دهند. نه حکومتهای نظامی ۵۰ ساله، نه زندانها و شکنجه ها و اعدام ها نتوانسته است پایه های لرزان حکومت نظامی دیکتاتور سرسپرده پاراگوئه استرس را مستحکم سازد. امروز این نظام وابسته حتی از سایه خود هراسان است. دیکتاتور منزوی شده و خشم خلق، بهمن وار، افزایش می یابد.

احساس ضعف واقعی دیکتاتور و هراس از قدرت روز افزون مقاومت زحمتکشان پاراگوئه است که

کشور پاراگوئه در امریکای جنوبی از جمله کشورهای است که به دست امپریالیسم آمریکا و مباشران داخلش به زندان خلق پاراگوئه و متبع غارتگری امپریالیسم تبدیل شده است. حکومتها ی نظامی فرماندهان قلد ر برای خلق خود و غلامان گوش بفرمان برای امپریالیسم آمریکا ۵۰ سال است که بر مردم ستندیده پاراگوئه حکم می رانند.

همه حقوق و آزادیهای دمکراتیک از زحمتکشان دانشجویان، فرهنگیان و دیگر اقشار خلق پاراگوئه سلب گردیده است. سازمانهای دمکراتیک و مترقی حق فعالیت آزاد ندارند. هرگونه اجتماعی بیش از سه نفر ممنوع است. دستگاه حاکمه گوش بفرمان امپریالیسم مردم را مجبور می کند که مانند دوران شاه معدوم در ایران در حزب دولتی نام نویسی کنند. پاراگوئه از جمله آن عده کشورهای جهان است که حقوق بشر در آنجا بی مهابا و به شدت پایمال می شود. با وجود شتمگری چنین دیکتاتوری خونینی، دولت امریکای شمالی "اقدامات دمکراتیک" رژیم پاراگوئه را تثبیت می گوید. چنین تیریک و تهنیتی که بسا حمایت از قدران بر سر نیزه نشسته نظامی



موضوع اصلی نبرد، نظام اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است

نبرد "ذوخط" در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تشدید شده است. موضوع اصلی نبرد، نظام اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. خطر راستگرا با تمام "دسته‌گسل" ها و "شاهکار" هایش در مقابل خط امام قید علم کرده و با پیش‌نویس ارتجاعی آقای تولگی، پنا برد کردن مصوبات انقلابی مجلس شورای اسلامی در مورد اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازرگانی خارجی و ... به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ داده است.

در مقابل این خطر راستگرا، توده‌های زحمتکش میهن ما قرار گرفته‌اند که با مبارزه بی‌امان خود علیه دشمنان انقلاب، در عرصه دفاع از حقوق حقه خود نیز هر روز وسیع‌تر و یکپارچه‌تر به میدان می‌آیند. آنها از مسئولین و دولتمردان خط امامی می‌طلبند که پیگیرانسه و با قاطعیت برسالت خویش در قبال شهدای انقلاب و در قبال توده‌های مستضعف میهن ما عمل کنند و ننگ آرند. قانون اساسی، این خون بهای شهدای انقلاب، پایمال ترکانازی‌های راستگرایان مخالف خط امام گردد.

هر چند که در ماههای گذشته مخالفین راستگرای خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی مواضع مهمی را از جنگ بیرونی راستین خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بیرون آوردند، وقایع روزهای گذشته نشان می‌دهد که این هجوم لجام گسیخته راستگرایان به دستاوردهای انقلاب که با دستگیری رفقایی حزب توده، ایران به اوج خود رسید، هر چند که با موفقیت نسبی برای مخالفین تعقیق انقلاب همراه بوده، اما بسیاری از مسلک نان مبارز و پیروان خط امام، از جمله برخی از مسئولین طراز اول جمهوری را، متوجه خطری ساخته است که انقلاب را تهدید می‌کند. دلسوخگان انقلاب اینک بد نبال راهبایی می‌گردند که تنها راستگرایان را بعقب زنند و ضمن حفظ دستاوردهای انقلاب، آنها را بسود محرومان و مستضعفان گسترش دهند و تعقیق بخشند.

بازتاب این نبرد در رسانه‌های گروهی بویژه روزنامه‌های عبر کشور به وضوح دیده می‌شود و در کنار واقعیات نگان دهنده این عقیده نیز بیان می‌شود که:

" باید از موعظه و پند از شعار و هیاهو بگذریم و به وادی عمل پاگذاریم " کیهان

۱۲ اسفند ۶۱

از جمله میخوانیم:

" تروریسم اقتصادی می‌خواهد با احتکار گرانفروشی، برهم زدن نظام عادلانه توزیع، بیرون کشیدن سرمایه‌ها از تولید، یک فاصله جهانی در جامعه بوجود آورد ... و گام به گام مناسبات وابسته را احیا کند "

مصاحبه مهم

آیت الله موسوی اردبیلی

روز سه شنبه ۱۷ اسفند آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی سخنان مهمی در زمینه کار ستاد پیگیری فرمان امام و مشکلات و نابسامانی‌های جامعه ایراد کرد که در فضای سیاسی کشور بازتاب گسترده‌ای داشت.

رئیس دیوان عالی کشور ضمن بر شمردن موارد شکایاتی که به ستاد پیگیری رسیده، به وجود "افشاصی غیر مسئول و در بعضی از شهرستانها و مراکز استان گروههایی" اشاره کرد که "به نام حزب الله ... افراد را گروگان می‌گرفتند، شکنجه می‌دادند و سر به نیست می‌کردند، ترور می‌کردند به اسم اینکه اینها فاسدند ... ایشان پس از ذکر موارد شکایات گفت:

" ما مسئلهای داریم که بنظر می‌رسد بسیار مهم است. مقدار زیادی شکایات را نمی‌دانیم چکار کنیم، نه شکایت از شخص است، نه شخصی حقیقی و حقوقی، و نه شکایت از یک ارگان است، و نه ما جایی را سراغ داریم، نه کار دادگستراست، نه کار دادگاه است، نه کار دادگاه انتظامی است. به هیچ کدام مربوط نمی‌شود. در معنا اینها شکایات نیست. اینها شکوایه‌های درد مندانی است، در این اجتماع، به ما منعکس شده و از یک درد اجتماعی که مربوط به کل اجتماع است حکایت می‌کند، و ما جز اینکه این را به کسل اجتماع برگردانیم چاره دیگری نداریم، و من در این نشست این را به این اجتماع برمی‌گردانم. "

آقای موسوی اردبیلی ادامه می‌دهد:

" برای ماناهایی نوشته می‌شود کسه نویسند هاشم مستاجر است و ماجر حکم تخلیه گرفته. نویسند هاشم یک کارگر است، درآمدش کفاف مخارج سنگین عائله او را ندارد. یا یک روستا نشین است یا یک امکانات مختصر، یا یک حقوق بگیر جز" است یا یک پیشه ور جز" است یا یک انسان ناتوان است، یک خانواده بی سرپرست است که درد خودش را نوشته، در واقع شکایتی ندارد. شکایتش از کل جامعه است، ما باید آنرا به کسل جامعه منعکس کنیم. "

رئیس دیوان عالی کشور با اشاره به وضع نابسامان مستاجرین افزود:

" مستاجری که به دلیل حکم تخلیه قانونی، و این در کنار خیابان دست زدن و بچاهاش گرفته و متحیر است کجا برود. رکنار آن موجری کسه دهها اتاق و خانه و واحد مسکونی دارد و این

را فقط به دلیل این بیرون ریخته که می‌خواهد د و برابر، سه برابر اجاره بگیرد یا اصلا می‌خواهد در خانه را ببندد و اجاره ندهد. "

سپس آیت الله موسوی اردبیلی به لزوم تدوین قوانین انقلابی اشاره می‌کند و می‌گوید:

" البته حکم تخلیه را گرفتن و مستاجر را

بیرون ریختن یا کارگر را از کار بیرون کردن ظاهرا اشکالی (قانونی) ندارد، اما به این ملت همیشه در صحنه می‌گویم بیاید با واقعیت‌ها تماس بگیریم ... واقعیت‌های اجتماع ما این است که محروم و مستضعف داریم. این محروم و مستضعف کارگران صنعتی کارخانه‌ها، کارگران ساده آزاد سرکچه و بازار، روستا نشینان، دهقانان، پیشه‌وران جز" ، حقوق بگیران سطح پایین، اینها را داریم آیا اجتماع در محرومیت اینها ... استضعاف اینها هیچ مقبر نبود؟ ما معتقدیم این نظام ستم شاهی سابق، این قوانین فرسایشی، این افراد ضد خلق و ضد خدا، زمین خواران، متجاوزان به بیت المال، آنهاست که در سفره قدرت اقتصادی و سیاسی نشستند، توده‌ها را به خاندان منحوس پهلوی و وابستگان آنها عشق می‌باختند. آنها بودند، آمدند صاحب آلاف و علوف شدند و این استضعاف و محرومیت را در جامعه بوجود آوردند. "

رئیس دیوان عالی کشور با ذکر چند مورد از آثار تگری سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و محرومیت زحمتکشان گفتند:

حالا ما می‌خواهیم حق این گروه را به خودشان بدهیم. اینها ضد انقلاب هم نیستند. هنوز هم یاز سنگین انقلاب به دوش اینها است. اگر یک دسته در فکر جمع کردن پولند، با احتکار با تقلب، با هزاران کلک می‌خواهند پول جمع کنند، اینها در خانه‌های گلی خودشان نشستند و بچه‌های خردسال فرزندان شهیدشان را روی دوششان بزرگ می‌کنند. "

آقای موسوی اردبیلی پس از بیان دیدار خود با خانواده یک شهید زحمتکش ادامه داد:

" ما برای اینکه دین خودمان و دین جامعه را به اینها ادا کنیم، باید یک حرکتی داشته باشیم که جامعه چنین چیزهایی را در خود نبیند این حرکت مربوط به بنده نیست، مربوط به یک فرد نیست، کل جامعه باید این حرکت را داشته باشد. یعنی قوانینی که از بطن آن قوانین اینها بوجود می‌آیند و در نظام ستم شاهسی درست شده‌اند، آن قوانین را به قوانین عدل اسلامی تعویض کنند، و مجلس محترم اسلامی آن قوانین را به تصویب برساند و شورای محترم نگهبان آنها را با موازین اسلامی تطبیق دهند، هیئت دولت وزراء، در پیاده کردن آن قوانین و در اجرای آن قوانین کوشش کنند به نفع این محرومین و مستضعفین، و قوه قضایی از قدرت قضایی استفاده کند، کلا " حرکت کنند به سوی مبارزه با استضعاف، مبارزه با محرومیت، بسک مبارزه عقلی اگر چنین کاری را نکنیم فردا دیر است. اگر ما بگویم کارها را می‌خواهیم تدریجا انجام بدهیم این یک واقعیت است. اما واقعیت دیگر این است (که) آن حکم تخلیه امروز اجرا می‌شود نه فردا. "

در زمینه مبارزه با تروریسم اقتصادی آیت الله بقیه در صفحه ۱۳

در هفته‌ای که گذشته

بقیه از صفحه ۱۲

موسوی ارد بیللی گفت:

"روش مبارزه با گران فروشی این نیست که پرتقال فروش را بیاورند دادگاه. یا این کار که ارزانی نمی‌شود. البته این کار را نمی‌کنیم. تنها کشور روی میز من چندین پرونده، چند میلیون تومان جریمه آورده شده، آیا جنسیتی ارزان شد؟ نه. علتش این است که این مبارزه اصولی نیست."

سخنران آیت الله موسوی ارد بیللی را باید گلی جدی و مثبت در جهت افشای "راه مبارزه غیر اصولی" ای که راستگرایان و حامیان تروریست‌های اقتصادی برای بی‌اثر کردن فرمان امام به کار می‌گیرند تلقی کرد. کوشش برای پیاده کردن "راه مبارزه اصولی" یا تروریست‌های اقتصادی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و صاحبان مستغلات بزرگ جز قطع ریشه و پایه‌های اقتصادی - اجتماعی این تروریست‌های اقتصادی نیست!

مشکل مسکن بدون لجام زدن به سرمایه‌داران غارتگر قابل حل نیست!

بد نبال سخنان پر شور آیت الله موسوی ارد بیللی در مصاحبه مطبوعاتی ایشان (که در همین شماره آمده است)، رئیس دیوان عالی کشور پیشنهاد مشخصی نیز برای حل مشکل مالک و مستاجر ارائه دادند. ایشان در گفتگوی کوتاهی گفتند:

"تا زمانی که مشکل مسکن حل نشد همچنان بحرانی وجود دارد پیشنهاد می‌کنم مجلس شورای اسلامی تصویب کند که هیچ کس حق ندارد بیش از یک مسکن معمولی در سطح شهرها داشته باشد. و با این تصویب می‌توان مسکن را از صورت کالای تجاری بیرون برد تا دیگر مورد تلفت و تاز سوداگران نباشد. اگر کسی در این ضرورت تردید دارد لحظاتی در محاکمی که حکم تخلیه می‌دهند حاضر شود و صفوف طولانی مستاجری را که با چشم گریان پیش قاضی التماس می‌کنند ببیند، سپس داور می‌کند."

وزارت مسکن و شهرسازی بد نبال این پیشنهاد آقای موسوی ارد بیللی، طرح شایه‌ی ارائه داد. و اعلام کرد که این طرح را با قید فوریت به مجلس تقدیم خواهد کرد.

از مشکل مسکن بارها و بارها در اسناد حزب سوده ایران و از جمله برنامه مصوب پنجم هفت هم کمیته مرکزی حزب، بعنوان یک مشکل اجتماعی و میراث شوم "نظام ستیم شاهی" (آقای موسوی ارد بیللی) نام برده شده که تنها با لجام زدن به غارتگری صاحبان مستغلات بزرگ و بساز و بفروش‌ها ممکن است. اینک که جنب و جوشی برای حل این معضل اجتماعی دیده می‌شود، ضمن تأیید پیشنهاد

انقلابی آقای موسوی ارد بیللی و وزارت مسکن، توجه خوانندگان راه سوده را به راه حلی که حزب سوده ایران در تاریخ ۱۳ آبان ۵۸ در روزنامه مردم شماره ۸۳ برای مشکل مسکن ارائه داد، جلب می‌کنیم:

واگذاری خانه‌های صادره شده و خانه‌های عوامل متواری رژیم و اجاره دادن خانه‌های خالی (که همه اینها در مجموع خود به گفته صاحب نظران از چند هزار فروتنتر نیست) و صادره زمین‌های متعلق به زمینداران بزرگ و زمین‌خواران و سفته بازان زمینهای شهری و واگذاری آن به شوراهای شهرستانها و شهرها و بخشها و روستاها، برای ساختن خانه جهت زحمتکشان، می‌تواند راه‌حلهای کوتاه مدت برای کاهش دشواری مسکن باشد. این کاریست که بسرعت و با قاطعیت باید انجام گیرد. ولی این راه حل کوتاه مدت، هنوز برای حل بنیادی مشکل مسکن کافی نیست. فقط سرمایه‌گذاری‌های وسیع دولتی، بویژه در روستاها و شهرهای کوچک، از طریق برنامه‌های چند ساله، تشویق فعالیت تعاونی‌های ایجاد مسکن (که در بسیاری از کشورهای که در جهت حل مشکل مسکن گامهای جدی برداشته‌اند بازده بسیار خوبی داشته است) از طریق سرمایه‌گذاری گروهی از مردم بی‌خانه، همراه با کمک دولت، تنظیم برنامه خانه‌سازی، یا توجه به مسائل متعدد اجتماعی و کوشش برای کاهش دادن تغذیه و تنظیم میان شهر و ده که از فشار مهاجرتی داخلی به شهرهای بزرگ در دراز مدت بکاهد، مشکل مسکن را طی زمان و بطور بنیادی حل خواهد کرد.

بدون واگذاری اراضی مزروعی به دهقانان، دستیابی به استقلال اقتصادی و

ثبات سیاسی ممکن نیست!

وقایع جاری کشور نشان می‌دهد که حتی با "وتو" بی‌که شورای نگهبان در مورد لایحه اجیا" و واگذاری اراضی مزرعی اعمال کرد، مبارزه بخاطر اصلاحات ارضی انقلابی نه تنها پایان نیافته بلکه تشدید نیز شده است. از جمله آیت الله منتظری باردیگر بر لزوم رسیدگی به خواسته‌های دهقانان تأکید کردند و بدنبال آن سرپرست بنیاد مستضعفان در تلگرامی پنهان ایشان اعلام کردند که این بنیاد آماده است "کلیه اراضی مزرعی صادره شده در سراسر کشور به جز اراضی تحت اختیار مجتمع‌های کشت و صنعت، باغات، دامداری‌ها و حریم کارخانجات را با نظر هیئت‌های واگذاری زمین بطور شریعی و قانونی میان کشاورزان تقسیم کند." همچنین، اعضای هیئت‌های ۷ نفره سراسر کشور در دومین روز سمینار بررسی مشکلات و مسائل واگذاری زمین با آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر دیدار کردند. در این دیدار یکی از حکام شرع بر نقش واگذاری اراضی به روستائیان اشاره کرد و آنها را برای حفظ و نیل به استقلال

اقتصادی و ثبات سیاسی کشور لازم شمرده. سپس آقای موسوی گفت:

"تنها مسئله زمین نیست که برای کشور بصورت مسئله قابل بحث درآمده باشد، بلکه مسائلی دیگری هم وجود دارند که باید در ساره آنها تصمیم گرفته شود. و اتخاذ تصمیم در مورد این مسائل تنها به یک ارگان مانند دولت مربوط نمی‌شود، بلکه به جامعه انقلابی ما و نهاد های دیگر نظام هم ارتباط دارد."

آقای نخست‌وزیر با اشاره به "تجارت خارجی و سیستم توزیع یا تعاونی‌ها و زمین‌ها تعیین حیطه فعالیت بخش خصوصی و دولتی، اصل ۴۹ و مشخص شدن چهارچوب آنها از جهات مختلف کیفی و کمی" و لزوم حل اینگونه مسائلی به سهله اراضی مزرعی پرداخت و ادامه داد:

"آبادی روستاها، بهبودی وضعیت کشاورزی، جلوگیری از مهاجرت‌ها و ممانعت از توسعه حلیس آبادها، که لکه‌نگی برای نظام ما به حساب می‌آید، از مهمترین مسائلی است که طبیعتاً دولت برای اجابت این خواسته‌ها به ابزاری نیاز دارد که همان، روشن شدن وضع اراضی مزرعی از نظر قانونی است. چون دولت باید ستان شهن و هیئت‌های ۷ نفره با بالاترین با این مسئله مواجه هستند."

سپس آقای موسوی بر لزوم برخورد قاطع با ملاکینی که زمین آنها صادره شده و در بعضی نقاط با بازگشت به مناطق ایجاد مزاحمت کردند تأکید کردند و حمایت دولت را از هیئت‌های ۷ نفره و عملکرد انقلابی آنها، بالاخره با تصویب یک قانون انقلابی اصلاحات ارضی جامعه مطس و قانونی بخود ببوشد و با شکستن کمر بزرگ مالکی، زمینه شکوفایی اقتصاد کشاورزی فراهم گردد.

نکاتی درباره طرح طبقه‌بندی مشاغل

بقیه از صفحه ۱۴

این مدت ۷۵ درصد مزد گروه استحقاقی را دریافت خواهند نمود. با توجه به اینکه بخش اعظم ملیونی کارگران میهن ما فاقد تخصص اند و به صورت کارگر ساده استخدام می‌شوند، این ماده وسیله ای در دست کارفرمایان است تا کارگران را برای مدتی به عنوان آزمایشی (که مدت آن نیز در طرح مشخص نیست) با ۲۵ درصد کمتر از حقوق تعیین شده استخدام کند و بعد از مدتی آنها را اخراج کرده و کارگر ارزان قیمت آزمایشی دیگری را به کار گیرد! (۷ ماده ۲۰ این دستورالعمل در مورد حل اختلاف چنین می‌گوید: "در حلقه اول کمیته طبقه بندی مشاغل که ترکیب آن نیز در طرح روشن نیست" به موضوع رسیدگی نموده و در صورت عدم حصول نتیجه، موضوع جهت حکمیت به وزارت کار و امور اجتماعی ارجاع می‌گردد و نظر وزارت کار و امور اجتماعی در آن مورد قطعی و لازم الاجراست."

آیا با وجود وزارت کار فعلی و افرادی چون توکلی رضائی می‌توان امید داشت که آنها بنفع کارگران و به ضرر کارفرمایان نظر "قطعی و لازم الاجرا" صادر نمایند؟

"حالی درون پرده بسی فتنه می رود"

ایجاد تفرقه در میان نیروهای مومن پرست با القای افکار مسموم از طریق سیخ رسانه های گروهی امپریالیستی جهت جاب آکاذیب و وارونه جلوه دادن واقعیت و آنچه در بطن جامعه انقلابی ایران و اطراف آن میگذرد و سپس بازتاب آن آکاذیب در محافل سیاسی و مطبوعاتی داخلی یکی از دهها نشانه های است که قصد امپریالیسم را به استفاد نیت نوم تجار کاراته خود و دست اندازی مجدد به منابع ملی ایران انقلابی از یک طرف و هجوم بزرگ فاکان و سرمایه داران رابرای دستبرد به دست آورد های انقلاب بزرگ ایران و مخفی ساختن اقدامات ضد ملی خویش از طرف دبیر انظار می سازد .

این آکاذیب که نسخه های اشغال افغانستان توسط شوروی ، "خطر کمونیسم" ، "معاملات بین شرق و غرب روی مسائل جهانی" ، "کودتای چپ در ایران" ، "دولت حزب نوده" و این روزها "جرائم جاسوسی و جعل اسناد" به بخشی از رهبران

فداکار حزب ما در عطاری امپریالیسم پیچیده میشود و با تمام تلخی و مسمومیتی که دارند از جانب برخی از "اربابان خرابد کشور در کپسول تحلیل مزدورانه به خورد جامعه ایران داده میشوند برای مردم آگاه مبین ما تازگی ندارد . آنها از فحاش همان آکاذیب شومی است که برای پرده پوشی تدارک مقدما ، کودتای امپریالیستی - ارتجاعی بیست و هشتم مرداد بار گرفته شده بودند .

و اکنون با توطئه علیه حزب توده ایران - دستگیری بخشی از رهبران آن وارد مرحله عملی خود ، که در این مرحله مسخ انقلاب است ، شده اند .

در روز نامه انگلیسی مرسنگ استار شماره چهارم زانویه سال جاری میلادی نوشته ای تحت عنوان "چرچیل از آمریکا تمناي کمک برای مقابله با ایران کرد" چاپ شده که توجه به آن با اینکه مربوط به دوران مبارزه ملت ایران در راه ملی شدن صنایع نفت در سی و اندی سال پیش است ولی در افشا

طرح ها و معاملات شوم میان "غرب و غرب" و "ننه میان شرق و غرب" ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است . عیناً آن نوشته از نظر خوانندگان "راه توده" میگذرد :

در سال ۱۹۵۲ چرچیل در مقابل هازری ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا زانو زده ، از وی خواهش کرد که در مبارزه علیه ملی شدن نفت ایران از بریتانیا پشتیبانی کند . چرچیل در مقابل تعهد کرد که در صورت بروز جنگ اتمی ، بریتانیا همچیز خود را برای آمریکا فدا خواهد کرد .

در زمانی که ایالت متحده آمریکا نقشه میکشید تا در صورت حل و فصل اختلافات میان لندن و دولت صدق ، جانشین انگلیس به عنوان قدرت استعماری عمده در ایران شود ، چرچیل تصمیم گرفت که خود مستقیماً به آقای ترومن نامه بنویسد .

وی در نامه خود متذکر میشود که شیاعاتی مبنی بر اینکه "شرکت های نفتی آمریکا کوشش میکنند تا جای ما را در منطقه نفت خیز ایران بگیرند" بگوش میبرند . وی همچنین خاطر نشان میکند که اگر این شیاعیات با حقیقت منطبق باشند ، "مناسبات و جدال های سختی در این کشور (منظور بریتانیا است) در خواهد گرفت ."

در عین حال ، چرچیل در نامه اش مینویسد که بریتانیا حاضر است همه چیزش را در راه پیمان خود با ایالات متحده از دست بدهد " در صورتی که یک جنگ اتمی آغاز شود هیچ کشوری داوطلبانه مانند ما رهنسک نمیکند ."

در آن زمان نظر آمریکا این بود که اگر بریتانیا نفت ایران را تحریم کند اقتصاد ایران از هم خواهد پاشید و در نتیجه یک دولت حزب توده (یعنی یک دولت کمونیست) به روی کار خواهد آمد .

لیکن دلیل اصلی این تدبیر وزیران و مقامات رسمی بریتانیا این بود که شکست دادن سیاست ملی شدن نفت ایران برای آنها بسیار با اهمیت بود .

در صورتی که این سیاست صدق در ایران به موفقیت دست یافت ، یک واکنش زنجیره ای سیاست های مشابه در کشورهای دیگری که اقتصادشان تحت کنترل صنایع بریتانیا بود آغاز میشد .

در زمانیکه وزیران و مشاوران آنها در بازه قابل قبول بودن یا نبودن طرح های سازش با دولت ایران میان خود بحث میکردند ، حرکات دیگری در شرف تدوین بودند . نقشه حمله مستقیم نظامی با ایران از طرف بریتانیا ، که در زمان دولت لیبر است سابق (۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵) مطرح شده بود ، مورد توجه مقامات دولت محافظه کار قرار گرفت .

در عوض در زمان دولت محافظه کار توجه هرچنده بیشتری به نقشه یک کودتای نظامی ساخته و پرداخته از خارج داده شد .

در تاریخ ۲۶ / زانویه ۱۹۵۱ (۱۶ بهمن ۱۳۳۰) سفیر بریتانیا در تهران ، سر فرانسیس می چی شه برد ، به وزارت خارجه ، کشور متبوع چنین گزارش داد " تنها امید ایران برای نجات از استیلای کمونیسم ، یک کودتای غیر کمونیست است که آن هم بهتر است بنام شاه باشد ."

آیا اکنون هم " تنها امید برای نجات ایران از استیلای کمونیسم " مسخ انقلاب ، " که آن هم بهتر است " بنام " اسلام " باشد ، در برنامه امپریالیسم و راستگرایان و مخالفان تائین عدالت الهی است ، که مسلمانان مبارز پیرو خط امام بر پرچم خود نوشته اند ، نیست ؟

نکاتی درباره طرح طبقه بندی مشاغل

سرانجام بعد از دو سال و نیم تاخیر از طرف وزارت دار و امر اجتماعی " دستور العمل جدید اجرائی طرح طبقه بندی مشاغل کارگران " منتشر شد .

وظیفه طرح طبقه بندی مشاغل تنظیم ضوابط ارتقا شغلی و در نتیجه آن از دیاد درآمد کارگران است لازم به توضیح است ، که طرح طبقه بندی مشاغل فقط در ارتباط با قانون کار مترقی می تواند به نفع زحمتکشان عمل کند و جوابگوی خواسته های بحق کارگران باشد . چنین طرحی باید بر دو اصل " پرداخت بر اساس کیفیت و کمیت کار " و " مزد یکسان در برابر کار یکسان " استوار باشد . ولی طرح ارائه شده توسط وزارت دار ، علاوه آن روی سکه پیش نویس قانون کاری است ، که کارگران آن را به درستی ضد کارگری ارزیابی کردند .

لازم به تذکر است که در زمان رژیم دیکتاتوری گذشته " محمد رضا " و در اثر مبارزات پیگیر کارگران میهنمان ، طرح طبقه بندی مشاغل در سال ۱۳۵۲ تصویب شد ، که با تمام نواقصش گامی به جلو در دستیابی کارگران به حقوق خود بود .

در متن " دستور العمل " منتشر شده از جهت نظام ارزشیایی و نواقصی نمونه ای ، که در " بندج " از مفاد طرح به آن اشاره می شود ، خبری نیست . با فقدان این اطلاعات البته نمی توان یک تحلیل همه جانبه از این طرح را ارائه داد . لذا تحلیل حاضر تنها بعضی مواد این " دستور العمل " منتشره را در بر می گیرد .

(۱) آنچه در مرحله اول جلب توجه می کند و از " طرح طبقه بندی مشاغل " سال ۵۲ طاغوت نیز قدمی به عقب است ، " حق " است غیر قابل کنترل ، که کارفرمایان در اجرای این طرح در اختیار دارند ، در تمام ۲۲ ماده و ۸ تبصره این طرح هیچ جا کنترلی را در برابر کارفرما نمی بینیم .

گویا این " دستور العمل " فقط توضیه نامه ایست برای " یکسان کردن روش " کارفرمایانی ، که سه بخوانند کارگاه خود را طبقه بندی کنند .

(۲) این طرح ارتقا شغلی کارگران را به شرط موافقت کارفرمایان ممکن کرده است . کارفرما می تواند کارگرانی که استحقاق ترقی شغلی دارند ، بدلیل مستقیم مثلاً " تصویب مدیریت جهت ارتقا " (ماده ۱۲ - هـ) و یا غیر مستقیم مثلاً به دلیل نبودن " پست بلا تصدی در گروه بالاتر " (ماده ۱۲ - الف) ، از این حق محروم کند .

(۳) این طرح کارگاههایی را که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند از شمول این طرح نیم بند نیز محروم می کند : " ضوابط تهیه و اجرا " . (الف - ۲) و با این ترتیب میلیون ها کارگر زحمتکش بدون هیچگونه ضابطه کاری فقط به علت احتیاج باید به تمام شرایط کارفرما تن دهند .

(۴) این طرح در رابطه با تغییرات هزینه زندگی و حد اقل حقوق کارگران سکوت اختیار کرده و کارگران را در برابر بالا رفتن سرسام آور هزینه زندگی بی دفاع می نماید .

(۵) این " دستور العمل " از تشکلهای کارگری شوراهای و سندیکاها گویا هراس دارد و هیچ نامی از آنان نبرده است . نکته ضحیف دیگر این طرح آن است ، که قرارداد نه به صورت جمعی از طرف شوراهای و سندیکاها با کارفرمایان ، بلکه به صورت فردی منعقد می شود ، تا بدین طریق یکبار دیگر منافع کارفرمایان تامین گردد .

(۶) اسف بارترین بخش این " دستور العمل " دوره آزمایشی " آن است . ماده ۱۶ ایمن " دستور العمل " می گوید : " کارکنان جدید - استخدام ، که دوره آزمایشی را طی می کنند ، در بقیه در صفحه ۱۳

در آن زمان نظر آمریکا این بود که اگر بریتانیا نفت ایران را تحریم کند اقتصاد ایران از هم خواهد پاشید و در نتیجه یک دولت حزب توده (یعنی یک دولت کمونیست) به روی کار خواهد آمد .

لیکن دلیل اصلی این تدبیر وزیران و مقامات رسمی بریتانیا این بود که شکست دادن سیاست ملی شدن نفت ایران برای آنها بسیار با اهمیت بود .

در صورتی که این سیاست صدق در ایران به موفقیت دست یافت ، یک واکنش زنجیره ای سیاست های مشابه در کشورهای دیگری که اقتصادشان تحت کنترل صنایع بریتانیا بود آغاز میشد .

در زمانیکه وزیران و مشاوران آنها در بازه قابل قبول بودن یا نبودن طرح های سازش با دولت ایران میان خود بحث میکردند ، حرکات دیگری در شرف تدوین بودند . نقشه حمله مستقیم نظامی با ایران از طرف بریتانیا ، که در زمان دولت لیبر است سابق (۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵) مطرح شده بود ، مورد توجه مقامات دولت محافظه کار قرار گرفت .

در عوض در زمان دولت محافظه کار توجه هرچنده بیشتری به نقشه یک کودتای نظامی ساخته و پرداخته از خارج داده شد .

در تاریخ ۲۶ / زانویه ۱۹۵۱ (۱۶ بهمن ۱۳۳۰) سفیر بریتانیا در تهران ، سر فرانسیس می چی شه برد ، به وزارت خارجه ، کشور متبوع چنین گزارش داد " تنها امید ایران برای نجات از استیلای کمونیسم ، یک کودتای غیر کمونیست است که آن هم بهتر است بنام شاه باشد ."

آیا اکنون هم " تنها امید برای نجات ایران از استیلای کمونیسم " مسخ انقلاب ، " که آن هم بهتر است " بنام " اسلام " باشد ، در برنامه امپریالیسم و راستگرایان و مخالفان تائین عدالت الهی است ، که مسلمانان مبارز پیرو خط امام بر پرچم خود نوشته اند ، نیست ؟

معرفی کتاب

بقیه از صفحه ۱۰

شمار دهقانان ثروتمند و بورژوازی ده ، به تحکیم مواضع اقتصادی و نفوذ سیاسی آنها کمک کرده است . این امر در مورد مصر و سایر کشورها صادق است . جمهوری به خاطر نشان می‌کند که دهقانان میانه حال ، که وسعت اراضی شان بین ۵ تا ۲۰ فدان است و تعدادشان به ۱۲۵ هزار نفر می‌رسد ، ۱۷/۷ درصد تمام اراضی زیر کشت را در اختیار دارند . همین روزنامه خاطر نشان می‌سازد که ، در اوج فصل کشت ، این دهقانان به استثمار دهقانان بی زمین و با کم زمین ، و کارگران فصلی می‌پردازند .

این دهقانان میانه حال ، به عنوان یکی از بانفوذترین گروه‌ها ، نقش عمده‌ای را در شورای اداری تعاونی‌ها و شورای روستاها ایفا می‌کنند . در برخی از روستاها و نواحی مسکونی آنها بیشتر از ۷۰ درصد اعضای کمیته‌های اتحاد سوسیالیستی عرب را تشکیل می‌دهند .

در سال‌های ۷۲ - ۱۹۷۱ ، برخی تغییرات ، بمنظور تجدید نظر جزئی ، در رابطه با اصلاحات ارضی انجام گرفت . برای نمونه ، تصمیم گرفته شد که طی یک دوره ۹ ساله به پنج هزار زمینداری که مازاد زمین‌هایشان (مازاد بر ۵۰ فدان مجاز) بنا به قانون ۱۹۶۹ ، صادره شده ، لغات برداشت شود . در سال ۱۹۷۲ بنا به تصمیم رئیس جمهور مینی بر لغو فرمان "محرومیت سیاسی" ۱۳۰ هزار نفر که در چارچوب قوانین ارضی و سایر قوانین مترقی از شرکت در زندگی سیاسی محروم شده بودند ، مورد عفو قرار گرفتند . در سال ۱۹۷۵ تصمیم گرفته شد نرخ اجاره زمین‌هایی که به دهقانان اجاره داده می‌شود به میزان ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یابد .

در سوره اصلاحات ارضی بنیادین انجام گرفته است . بنا به آمار رسمی منتشر شده در سوئین گفرانس فدراسیون عمومی دهقانان سوره (آوریل ۱۹۷۰) ، طی دوره اصلاحات راز ۱/۵ میلیون هکتار زمین مالکان بزرگ سلب مالکیت شد . در آن زمان از زمین‌های صادره شده ۷۸۰۷۴۲ هکتار میان ۵۲۵۰۴ خانوار دهقانی تقسیم شد . علاوه ۳۷۹۳۲۸ هکتار از اراضی دولتی میان ۳۲۱۲۰ خانوار دهقانان کم زمین و فقیر ، که عموماً این اراضی را اجاره می‌کردند ، با شرایط مناسب ، یعنی پرداخت یک چهارم قیمت زمین ، تقسیم شد .

رهبران بره نیز مناسبات قدیمی در روستا را منهدم کرده‌اند . با انجام قوانین مصوب سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۵ ، و نیز اقدامات متعاقب آن پرداخت بهره مالکانه به اربابان موقوف شد و اراضی که در مالکیت دولت بود به دهقانان انتقال یافت . خالوده استثمار فئودالی ، زمینداری و رباخواری در کشاورزی بطور جدی به معاطره افتاد . طبقه اشراف فئودال زمینداران ثروتمند رو به انقراض است ، و واسطه‌های سوداگر عمدتاً از میان برداشته شده‌اند .

اعمرا" در الجزایر ، اصلاحات ارضی در بخش خصوصی انجام گرفت . در اول نوامبر ۱۹۷۵ منشور انقلاب ارضی تصویب شد . همچنانکه رهبران الجزایری‌ها تأکید کرده‌اند ، تحقق این منشور یکی از هدف‌های کلیدی پیشرفت اجتماعی کشور است . هدف این منشور بنا نهادن کشاورزی بر اساس تکنیک مدرن ، محدود کردن اراضی بزرگ ، توزیع زمین میان فقیرترین دهقانان و تاسیس تعاونی‌ها است . علاوه ، هدف رسمی این اصلاحات ارضی تشویق فعالیت‌های دهقانان است . آغاز مرحله اول اصلاحات ارضی رسماً در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۲ اعلام شد . هدف مرحله اول شت زمین‌های جماعتی ، اراضی متعلق به ساربان‌های مذهبی اسلامی و دولتی ، انتقال آنها به ذخیره "انقلاب ارضی" برای توزیع میان دهقانان بی زمین و کم زمین بود . در دوره سه ساله "مرحله اول" انقلاب ارضی ۸۰۰ هزار هکتار از

اراضی دولتی میان ۵۲۷۰۰ دهقان بی زمین و کم زمین توزیع شد . حواری بودند در نخستین سالگت "انقلاب ارضی" . آغاز مرحله دوم اصلاحات ارضی را اعلام کرد . این مرحله تأثیر مستقیمی بر منافع زمینداران بزرگ می‌گذاشت ، زیرا هدف آن ملی کردن و محدود ساختن مالکیت بزرگ ارضی ، توزیع این اراضی میان دهقانان بی زمین و توسعه بیشتر تعاونی‌ها میان دهقانان الجزایری بود . بالاخره ، مرحله سوم اصلاحات ارضی متضمن بهبود وضع شتابان و بهره برداری از منابع جنگلی و آبی بود . در جریان اصلاحات ارضی بیش از ۶۰۰۰ تعاونی از انواع مختلف تاسیس شد و کار در راستای سازماندهی دهکده‌های سوسیالیستی آغاز گشت . پیش‌بینی شده است که تا سال ۱۹۸۰ تعداد صد عدد از این دهکده‌ها بنا شود . اتحادیه ملی دهقانان الجزایر در مارس ۱۹۷۳ تشکیل شد و در اوایل ۱۹۷۴ یک میلیون عضو داشت .

یکی از مشخصات مهم اصلاحات ارضی در کشورهای مترقی این است که اصلاحات یاد شده به بهبود وضع دهقانان فقیر ، ایجاد تعاونی‌ها و دادن انواع کمک به آنها می‌انجامد .

رژیم‌های انقلابی دیگر تکنیک پیشرفت اقتصادی سریع و فلبه بر عقب ماندگی اقتصادی را بمثابة یکی از هدف‌های اصلی خود اعلام کرده‌اند . این رژیم‌ها با در نظر داشتن این هدف ، اصل برنامه‌ریزی را بکار می‌گیرند . تمام کشورهای دارای ستکوری سوسیالیستی بدون استثنا ، برنامه‌ریزی اقتصادی برای دوره‌های چند ساله را مورد توجه قرار داده‌اند . در تعدادی از این کشورها تدبیل تحکیم مواضع بخش عمومی و محدود شدن قلمرو نفوذ انحصارات خارجی و انباشت تجربیات ، این برنامه‌ها روز بروز واقع‌گرایانه‌تر می‌شوند . در برخی از کشورها ارگان‌های دائمی برای برنامه‌ریزی تاسیس شده است .

مثلاً در مصر ، تولید ناخالص ملی در دهه شصت و رهبری جمال عبدالناصر بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت . مصر از یک کشور کشاورزی به یک کشور کشاورزی - صنعتی تبدیل شد . الجزایر نیز در رشد اقتصادی به پیشرفت‌های مهمی نائل آمده است . محصول نفت و گاز بطور چشمگیری افزایش یافته و ایجاد صنایع جدید ، فوق‌العاده پیشرفت کرده است .

محصول صنعتی و کشاورزی تانزانیا نیز از زمان کسب استقلال فوق‌العاده افزایش یافته است . در دوره برنامه پنج‌ساله اول (۶۹ - ۱۹۶۵) صنایع کشور از تمام دوران پیشین تاریخ تانزانیا پیشرفت بیشتری کرد . البته بخاطر سطح فوق‌العاده نازل آغازین رشد و فقر فوق‌العاده ، این افزایش نمی‌تواند به پیشرفت اقتصادی جدی بیانجامد . تولید محصولات دارای بازار فروش چون پنبه ، قهوه ، و نیشکر افزایش زیادی پیدا کرد .

در برمه ، شورای انقلاب کار دشواری را برای بره انداختن اقتصاد از راه توسعه کشاورزی و صنعت در ارتباط با استخراج مواد خام محلی انجام می‌دهد . در برمه به ایجاد صنایع سنگین و حمل و نقل نیز توجه زیادی می‌شود .

اما بنا به دلایل گوناگون ، تمام این کرش‌ها نتایج مورد نظر را به بار نیاورده است . افزایش چشمگیری در تولید کشاورزی بوجود نیامده و چنانکه مطبوعات برمه خاطر نشان می‌سازند ، موفقیت صنایع رضایت‌بخش نبوده است . شورای انقلاب اخیراً کام‌های تازه‌ای برای بهبود وضع برداشته است .

تجربه نشان می‌دهد که وقتی یک رژیم انقلابی به دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی بنیادین دست می‌زند ، ناگزیر مواضع و مشکلات موقتی در تولید مادی دیده می‌آید . این امر نتیجه تغییر ستکوری اجتماعی و اقتصادی رشد و مقابله عناصر اجتماعی محلی و خارجی است . این گرایش بویژه در کشورهای نوابه استقلال بخاطر عقب‌ماندگی و فقر این کشورها و عوامل تشدید کننده عینی و ذهنی دیگر ، بنحو چشمگیری نمایان است .

گوشه‌ای از قاریخچه انتشار افکار مارکس در ایران

بقیه از صفحه ۸

بکار بردن تمام امکانات خود قسمتهایی از آثار مارکس و ویا بعبارت دیگر فصل‌هایی از تالیفات وی را به زبان فارسی ترجمه و منتشر کند .

در سه دهه‌های اختفا از ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۹ ، حزب تمام امکانات خود را در این زمینه ادامه داد . در این سالها اعضا و رفقای رهبری حزب که به اجبار در مهاجرت بسر می‌بردند آثار پیشماری از تالیفات کارل مارکس و فریدریش انگلس و همچنین ولادیمیر ایلیچ لنین را ترجمه و منتشر کردند . این آثار نه تنها در بین ایرانیان مقیم خارج توزیع می‌شد بلکه با وسایل مختلفی به ایران فرستاده می‌شد و این خود یک عمل

فوق‌العاده ای بود . حتی در تاریکترین دوران دیکتاتوری شاه حزب توانست برای زحمتکشان ایران بلاانقطاع آثار کلاسیک مارکسیسم لنینیسم را تهیه کند .

یک وظیفه انقلابی بزرگی که حزب در برابر خود گذاشت ترجمه اثر بزرگ کارل مارکس سرمایه بود . پس از همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران که در سال ۱۹۶۹ تشکیل شد اهمیت این وظیفه را تأکید کرد . کوشش حزب و رفیقی که چنین وظیفه پر مسئولیتی را بر عهده گرفته بود کامیلاً رضایت‌بخش بود . سرمایه به زبان فارسی ترجمه شد . دو جلد آن تاکنون منتشر و جلد سوم آن هم بزودی انتشار خواهد یافت . در مهاجرت تقریباً تمام آثار لنین ترجمه شد . این آثار در فرم‌های کوچک و گاهی به کوچکی قوی کبیریت به چاپ رسید و به شیوه‌های مختلف به ایران رسانده شد .

بالهام از حضرت امام جنگ را تمام کنیم

بقیه از صفحه ۴

لان جمهوری اسلامی را برای یافتن یک شکل مسالمت‌آمیز برای پایان جنگ بسیار باز می‌داند . باید با جسارت انقلابی ، واقع‌بینانه و با استفاده از تمام راه‌های مسالمت‌آمیز موجود ، به جنگ پایان داد . باید خواستی را که آیت الله موسوی اردبیلی ، با الهام گرفتن از امام خمینی ، رهبر انقلاب ، بیان کرده است و خواست همه انقلابیون راستین میهن ما ، خواست همه زحمتکشان میهن ما ، نیز هست ، تحقق بخشید !



تشدید مقاومت

تشکیل "فرماندهی مرکزی" نیروهای مدخله سریع آمریکایی و استقرار آنها در منطقه اقیانوس هند ، حاور نزدیک و خلیج فارس با مقاومت گسترده در کشورهای واقع در این مناطق روبرو میشود . روزنامهها ، سیاستمداران و مسئولین رسمی کشورهای مذکور اعتراض خود را علیه سیاست مقابله جویانه و تسلط طلبانه امپریالیستی و تهدیدات مستقیم نظامی آمریکا اعلام میکنند . نیروهای متوقفی در هند این اقدام را قاطعانه محکوم کرده و تاکید کردند که علیه این سیاست مقاومت خواهند کرد . حزب کمونیست هند ، تشکیل "فرماندهی مرکزی" را خطری جدی برای منافع ملی ، حق حاکمیت و امنیت خلفهای منطقه ارزیابی کرد . حزب کمونیست هند همچنین به تلاشهای آمریکا برای کاربرد تمام وسائل نظامی و سیاسی علیه کشورهای در حال رشدی که سیاست مستقلی دنبال کرده و زیر بار دستورات واشینگتن نمیروند اشاره کرد . دولت جزیره موریس نیز با محکوم کردن سیاست آمریکا خواستار باز پس دادن جزیره دیگو گارسیا به این کشور شد .

تظاهرات صلح زنان

هزاران زن از چندین کشور اروپایی و همچنین نمایندگان از جنبش زنان صلح از آمریکا ، کانادا ، استرالیا و ژانده نو در بروکسل ، پایتخت بلژیک و مقر ناتو با خواست پایان دادن به افزایش تسلیحات و علیه استقرار موشکهای میانبرد در اروپای غربی دست به تظاهرات زدند . این تظاهرات نقطه اوج کارزار

بود که "لیگای بین المللی زنان برای صلح و آزادی" با جمع آوری صدها هزار امضا و ترتیب اجتماعات اعتراضی آغاز کرده بود . سخنرانان در میتینگ پایان تظاهرات تاکید کردند که سازمانهای زنان در تمام نقاط جهان فعالانه در جنبش صلح شرکت میکنند تا از استقرار موشکهای جدید در اروپای غربی و دیگر نقاط جهان جلوگیری نمایند . آنها موکدا خواستار تقلیل تعداد سلاحهای موجود هستهای و خلع سلاح شدند . نمایندگان سازمانهای زنان قبل از تظاهرات با حضور در مقر ناتو و نمایندگی های کشورهای دارای سلاح هستهای نگرانی خود را از تهدید هستهای و مخالفت خود را با استقرار موشکهای جدید آمریکایی اعلام داشتند .

اعتصاب عمومی

بیش از یک میلیون زحمتکش پسرشی در اعتصاب عمومی پنجشنبه هفته گذشته شرکت کردند . زحمتکشان پرو ، با این اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته ، خواست خود مبنی بر لزوم در پیش گرفتن سیاست اقتصادی منطبق با منافع ملی کشور را تاکید کردند . سیاست اقتصادی دولت کنونی کشور باعث افزایش هزینه زندگی و بیکاری شده است . دولت این کشور با وضع حکومت نظامی ۵ روزه در پایتخت کشور لیما ، واکنش شدیدی در مقابل این اعتصاب نشان داد . طبق گزارش روزنامهها ۴ نفر در حمله های پلیس به اعتصابیون کشته و عده های زخمی شدند . تعداد بازداشت شدگان چند صد نفر تخمین زده شده است .

حنایت شیمیایی

طبق اظهارات یک دانشمند ویتنامی ، پی آیدهای استعمال سلاحهای شیمیایی در ویتنام که توسط آمریکا طی سالهای ۱۹۶۱ تا

۱۹۷۵ انجام گرفت ، در جنوب این کشور تا ۱۰۰ سال دیگر نیز محسوس خواهد بود . این دانشمند ویتنامی که برای اعضای کمیسیون خلع سلاح در ژنو گزارش میداد افزود که عواقب این حنایت چه برای محیط زیست در ویتنام و چه بر ارگانهای ازسی انسانها غیرقابل تصور است . وی نتایج سمپوزیوم پزشکی بین المللی را که چندی پیش در شهر هوشی مین انجام گرفته بود به اطلاع حنبار رساند .

طبق بررسی های دانشمندان ۴۳٪ مناطق جنگلی و ۱۲٪ زمینهای قابل کشت ویتنام با استعمال این مواد از بین رفته اند . پژوهشهای پزشکی افزایش تولد کودکان ناقص یا عجیب الخلقه در خانواده هایی که حداقل یکی از والدین آن تحت تاثیر این مواد قرار گرفته اند را نشان میدهند . تعداد افرادی که به بیماری کبد مبتلا میشوند نیز بطور بسیار خطرناکی افزایش یافته است .

بیکاری در کانادا

بحران اقتصادی در کانادا هر روز دامنه وسیعتری میباید . رکود اقتصادی و پی آمد آن افزایش بیکاری تمام اقشار کم درآمد جامعه را با خطر جدی روبرو ساخته است . دامنه بیکاری دیگر از محدوده صنایع جداگانه یا فراتر گذاشته و تقریباً تمام بخشهای اقتصادی این کشور را فرا گرفته است . طبق آمار رسمی ، تعداد بیکاران ۱/۶ میلیون تن میباشد که این رقم در ۵۰ سال اخیر بیسابقه بوده است . روزانه ۱۱۲ شرکت کوچک و متوسط ورشکست میشوند . بسیاری از مناطق مسکونی که در آنها کارخانه های یا معدنی وجود داشت ، در پی ورشکستگی و از کار ایستادن کارخانه ، خالی از سکنه شده و ساکنین آن به مناطق دیگر و عده تا شهرهای بزرگ "کسوج" کرده اند . درصد بیکاران در میان کارگران معدن بالاترین رقم را داراست و از هر ۲ کارگر ، یکی در جستجوی کار است . تاثیر اوضاع وخیم اقتصادی کشور و بیکاری فزاینده بر وضع اجتماعی مردم غیرقابل انکار گشته است . تعداد خانوادهاایی که گذران روز آنها بسته به اداره تامین اجتماعی است به سرز هفت صد هزار رسیده است . طبق آمار روزنامهها ۲/۵ میلیون کانادایی در پایین میرز فقر زندگی میکنند .

RAHE TUDEH

No. 33

Friday, 18 Mar. 83



Winfried Schwarz
Address: Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1 DM	Italy 350	L.
France 3	U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sweden 3	Skr.

محروم بوده اند . چه وقت اساسی بازداشت شدگان اخیر اعلام خواهد شد ؟ در همان شماره سطور زیر از آخر مقاله "اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه نکذیب می کند" جا افتاد ماند و باید به آخر مقاله اضافه شوند . "آئیم که دانشجویان بتوانند مسایل خود را به طور کلاما آزاد مطرح نمایند ."

در شماره ۳۲ "راه توده" در بیانیه احزاب کمونیست و کارگری ، نام بعضی از این احزاب اشتباه درج گردیده که بصورت زیر تصحیح می گردند :

- حزب پیشرو زحمتکشان قبرس
- حزب پیشرو خلق گویان
- حزب انقلابی خلق مغولستان
- حزب کار سوئیس

تصحیح وپوزش

در شماره های ۳۱ و ۳۲ "راه توده" اشتباهات زیر رخ داده اند که ضمن پوزش از خوانندگان عزیز بدینوسیله تصحیح می گردند . در "راه توده" شماره ۳۱ سطور زیرآبسه آخر مقاله "دلائل دستگیری" اضافه نمائید :

تضمین شده در قانون اساسی اند . بهمین علت به درستی اطلاعاتی کمیته مرکزی حزب ما ، پیرش ناجوانردانه را به حزب ما و بازداشت بخشی از رهبری آن را ، پوزش به کلی انقلاب ارزیابی می کند .

یک نکته نیز لازم به توضیح است ، که مقامات مسئول هنوز پس از گذشتن یک سال ونیم از زمان بازداشت رفقا در پیگیری از حزب ما ، نسه اسامی آنها را اعلام کرده اند و نه علل دستگیری آنها را . آنها از ملاقات با خانواده خود